

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفہ سجادہ

راہنمای زندگی



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کتب قرآنی، سنت و معارف

پایه هفتم

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|-------------------------------------------------------------|
| ۹ | پیشگفتار |
| ۱۲ | مقدمه |
| ۱۵ | آشنایی با سیمای امام سجاد <small>علیه السلام</small> |
| ۱۵ | نام، کنیه و القاب حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> |
| ۱۷ | همسر امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> |
| ۱۹ | حاکمان هم عصر امام سجاد <small>علیه السلام</small> |
| ۱۸ | دفاع فرهنگی در عصر استبداد |
| ۱۹ | خطابه‌های حماسی و تأثیرگذار |
| ۲۲ | گفتگوهای دشمن شکن |
| ۲۳ | اشک‌های مؤثر |
| ۲۴ | حمایت معنوی از قیام‌های طاغوت‌ستیز |
| ۲۶ | نیایش‌های عارفانه و بیدارگر |
| ۲۸ | نظریه‌های علمی در صحیفه سجادیه |
| ۲۹ | حکومت معنوی در عصر خفقان |
| ۳۰ | کارآمدترین شیوه تربیتی |
| ۳۲ | تربیت انسان‌های صالح |
| ۳۶ | محبوبیت حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> از منظر دیگران |
| ۳۶ | نفوذ صحیفه سجادیه در قلب اروپا |
| ۳۸ | اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت |
| ۴۱ | زیباترین شیوه معاشرت |
| ۴۱ | پناه بی پناهان |
| ۴۲ | راز تسخیر دل‌ها! |
| ۴۴ | روش‌های دوست‌یابی |
| ۴۵ | محبوبترین رهبر آسمانی |

عنوان: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی
 تدوین و تنظیم: اداره کل قرآن، عترت و نماز، معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت
 آموزش و پرورش
 مشخصات نشر: تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی و فرهنگی،
 موسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۳۹-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: پرتوی از زندگینامه و صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام
 موضوع: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی
 شناسه افزوده: ایران، وزارت آموزش و پرورش. موسسه فرهنگی منادی تربیت
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ الف ۵۳/۴ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۴۶۲۱۱



عنوان کتاب: صحیفه سجادیه راهنمای زندگی (پایه هفتم)
 تهیه و تنظیم: اداره کل قرآن، عترت و نماز معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت
 آموزش و پرورش
 ناشر: موسسه فرهنگی منادی تربیت
 چاپ اول: ۱۳۹۵
 لیتوگرافی، چاپخانه و صحافی: دقت
 تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۳۹-۴
 ISBN 978-600-390-039-4
 Email: info@monadi.org
 WWW.monadi.org
 تهران، خیابان استاد نجات‌الهی، بین چهارراه سمیه و طالقانی، کوچه بیمه،
 پلاک ۲۶
 تلفن فروشگاه: ۸۸۹۳۱۸۵۲
 تلفن پخش: ۸۸۸۹۴۲۹۲
 نمابر: ۸۸۸۹۴۲۹۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال



«من به شما جوانان توصیه می‌کنم که بروید صحیفه سجادیه را بخوانید
 و در آن تدبیر کنید.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

| | |
|----|-------------------------------------------------|
| ۷۵ | ۶- تهذیب نفس |
| ۷۵ | قصه یک کشتی گیر |
| ۷۶ | محبوب خدا شدن |
| ۷۷ | فرق صدای کلاغ و بلبل |
| ۷۸ | مصلحت الهی |
| ۷۹ | آزمایش |
| ۷۹ | چه زیبا بنده‌ای است ایوب! |
| ۸۱ | تازیانه ادب و هشدار |
| ۸۱ | خاطره ای عبرت انگیز |
| ۸۲ | همنشین انبیاء |
| ۸۳ | هشدار برای آینده |
| ۸۳ | اجابت دعا |
| ۸۴ | تدبیر خداوند |
| ۸۵ | * فراز پنجم: |
| ۸۶ | امتیاز ویژه دوران بیماری |
| ۸۶ | یک شب برابر شصت سال |
| ۸۷ | * فراز ششم: |
| ۸۸ | فقط خواسته خدا را خواهیم |
| ۸۹ | رضایتمندی در سختی‌ها |
| ۹۱ | * فراز هفتم: |
| ۹۲ | سخن پایانی |
| ۹۲ | آداب و ارزش پرستاری از بیمار |
| ۹۳ | وظایف پرستاران |
| ۹۴ | ب / شرح داروهای مریض |
| ۹۴ | ج / تقویت روحیه بیمار |
| ۹۶ | دعا برای شفای بیمار |
| ۹۶ | سرمشق پرستاران |
| ۹۷ | پرستاری از امام سجاد <small>علیه السلام</small> |

| | |
|----|--------------------------------------|
| ۴۷ | برگی از دفتر آفتاب |
| ۵۱ | فصل دوم |
| ۵۲ | شرح دعای پانزدهم |
| ۵۲ | * فراز اول: |
| ۵۳ | عظمت و اهمیت « الحمد لله » در روایات |
| ۵۵ | عظمت نعمت سلامتی |
| ۵۸ | مطلوبیت تحمل بیماری با نشاط |
| ۵۸ | هم‌سانی سلامت و بیماری در لزوم شکر |
| ۵۹ | جایگاه بهداشت در اسلام |
| ۵۹ | الف / آیات |
| ۶۱ | ابعاد نظافت و بهداشت |
| ۶۱ | الف / طهارت ظاهر |
| ۶۲ | ب / طهارت باطن |
| ۶۳ | ج / اجتناب از بیکاری و پرخوابی |
| ۶۴ | صبر بر سختی‌ها |
| ۶۵ | دنیا کانون مشکلات |
| ۶۶ | مقایسه با سختی‌های بزرگ |
| ۶۷ | انسان شکیبا |
| ۶۸ | لذت معنوی سختی‌ها |
| ۶۸ | * فراز سوم: |
| ۶۹ | اسلام و نعمت سلامتی |
| ۷۰ | قوی‌ترین فرد |
| ۷۰ | * فراز چهارم: |
| ۷۱ | آثار تربیتی و معنوی بیماری |
| ۷۱ | ۱- تحفه‌ای از سوی خداوند |
| ۷۲ | ۲- نجات از آلودگی‌های اخلاقی |
| ۷۳ | ۴- کفاره گناهان |
| ۷۴ | ۵- یادآوری نعمت‌های گذشته |



پیشگفتار

صحیفه سجادیه، به حق صحیفه دل‌های آسمانی است. کتابی که سطر سطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می‌باشد و واژه واژه آن در دل محبان، فروغ یزدان می‌نشانند.

صحیفه سجادیه، آهنگ پر طراوت هستی است، نغمه پرحلاوت نشاط است، زمزمه پر شور عاشقان و نوای دلنشین ساجدان است.

«توصیه من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوان‌ها بیشتر و بهترند - و هم تحلی به حلیه اخلاق پیدا کنیم. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدی‌ها و زشتی‌های وجود خودش باشد.

دعای شریف مکارم‌الاخلاق را - که دعای بیستم صحیفه سجادیه است - زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد علیه السلام در این دعا از خدا خواسته است، چیست. با دعا‌های صحیفه سجادیه، با این داروهای شفابخشی که می‌تواند بیماری‌های اخلاقی ما را شفا بخشد و زخم‌های وجود ما را درمان کند، خودمان را آشنا کنیم.



قدر بدانید این دعا و توسل و تضرع و توجه و نورانیتی که از این راه حاصل می‌شود.»

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، در مدرسه فیضیه

فصل اول

پرتوی از زندگینامه امام سجاده



پیامبر گرامی اسلام ﷺ:

« اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي ... كِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي اَهْلُ بَيْتِي، وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا. »

من در بین شما دو چیز گرانبه را می‌گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک جویند، بعد از من، هرگز گمراه نمی‌شوید؛ کتاب خدا و عترت من، خاندان من؛ و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. پس بنگرید که در نبود من (به جای من) چگونه با آنان رفتار می‌کنید.

مقدمه

خدای رحمان، جهان را آفرید تا مقدمه پیدایش انسان باشد و انسان را آفرید تا مسیر کمال را ببیند و از دستورات خداوند پیروی کند، تا به سعادت مطلق نایل آید و از آنجا که او موجودی اجتماعی است، در رفتار با هموعان خود ناگزیر از آشنایی با راه و قانون خدا می‌باشد و شناخت راه، نیاز به راهنما دارد. زیرا از آنجا که ادراکات حسی و عقلی و تجربی انسان‌ها بر اساس محدودیت خاص خودشان است و پیوسته دچار اشتباهند، نمی‌تواند اجتماع را به آن هدف والا رهنمود سازد، پس ناگزیر نیاز بشریت به راهنما، حتمی می‌شود تا آن دعوتی را که خدا از بشر کرده، طبق خواست خودش اجابت کرده باشد و در پرتو هدایتگری برگزیدگان، رنگ و بوی الهی به خود گرفته و به سوی رستگاری پیش برود.

راهنما وظیفه دارد امانت خدا را که بر دوش گرفته، آن‌گونه که شایسته است پیش ببرد و این ممکن نیست جز اینکه امین و معصوم باشد. پس خدا برای سعادت دنیا و آخرت

انسان، باید راهنما بفرستد و این راهنما باید معصوم باشد و انتخاب شخص معصوم با خداست.

همچنین جانشین پیامبر ﷺ باید تمام صفات و ویژگی‌های پیامبر، جز وحی و تشریح، را دارا باشد و همانند او بری از خطا و گناه باشد تا بتواند ماموریت خویش را انجام دهد. خداوند در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ... » ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است به مردم برسان و اگر این پیام را نرسانی رسالت او را انجام ندهی.

این خطاب به رسول اکرم ﷺ با لحن خاص و تاکید جدی، نشان‌دهنده آن است که موضوع مهمی مطرح است و باید توجه مردم بر آن جلب گردد و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که این امر مهم، جز تعیین جانشین پیامبر و موضع‌گیری برای ادامه و به ثمر رسانیدن امر رسالت، چیز دیگری نبوده است. لذا با عنایت خدای سبحان به شرح حال مختصری از زندگی امام چهارم حضرت سجاد علی بن ابی‌طالب می‌پردازیم.

امام سجاد، حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، چهارمین پیشوای شیعه و ششمین آفتاب عصمت است که در بحرانی‌ترین شرایط تاریخ اسلام عهده‌دار امر امامت گردید و قافله اهل ولایت را از ظلمات دوران حکومت بنی‌امیه به سلامت عبور داد و شیعه را از اضمحلال و نابودی مصون داشت.

در روزگاری که همه صدها خاموش شده بود و امویان دارهایی را که برافراشته بودند همچنان برپا نگاه داشته و بر تعداد آنها می‌افزودند و خون‌های مطهری را که ریخته بودند نمی‌شستند تا درس عبرتی باشد برای همه آنان که هنوز نفسی در سینه دارند و زمزمه‌ای زیر لب!

آری، امام سجاد علیهما السلام در چنین روزگاری قافله‌سالار راهیان نور شد. وقتی نگذاشتند که در روشنایی روز، ندای حقیقت را بر فراز منبر جدش رسول‌الله ﷺ بازگوید، در دل‌های شب با دعا و نیایش، عالی‌ترین رموز دینداری و حق‌جویی را به یارانش ابلاغ کرد. و با راز و نیازهای شبانه‌اش، صحیفه‌ای از معارف و رهنمودها و عبرت‌ها و درس‌ها تدارک دید و با سجده‌های طولانی، قیام‌ها را شکل بخشید.

او برآستی محراب نیایش را به میدان رویارویی با سیاست‌ها و تبلیغات و تعالیم امویان مبدل ساخت و از دعا که نرم‌ترین شیوه گفتاری است، حربه‌ای برنده علیه دشمنان دین و منکران ولایت پدید آورد.

او در مجلس یزید - ظالمانه‌ترین و بی‌رحم‌ترین دادگاه تاریخ - با چنان شهادت و شجاعتی از حریم شهیدان کربلا، دفاع کرد که ظنین سخنانش برای همیشه در گوش زمان باقی ماند.

امام سجاد علیهما السلام در آن مجلس و نیز در بقیه عمر خویش به اثبات رسانید که در علم، حلم، بخشش، فصاحت، شجاعت و محبوبیت اجتماعی چونان اجداد طاهرینش، سرآمد خلق است.

از آن پس هرگاه صدایش به نیایش بلند می‌شد، همه دردها و رنج‌هایی که از سوی غاصبان خلافت و دشمنان ولایت بر خاندان عصمت رفته بود، دوباره مجسم می‌گردید.

در نوای گرم دعاهایش پیام توحیدی رسول خدا ﷺ و صلابت امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب و رنج‌های حسن بن علی علیهما السلام و مظلومیت‌های حسین علیهما السلام، سالار شهیدان کربلا، موج می‌زد.

در عصر حقوق پامال شده انسانیت و شرافت و دیانت، رساله حقوق آن گرامی، مایه پند و درس‌آموزی همه آنان

آشنایی با سیمای امام سجاد علیه السلام

پدر حضرت علی بن الحسین امام چهارم علیه السلام امام حسین علیه السلام سومین امام شیعیان جهان و مادرشان شهربانو است.^۱ امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ هجری قمری دیده به جهان گشود.^۲

دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری کرد، حدود دو سال از خلافت جدش امیرمؤمنان علیه السلام را درک نمود و پس از آن مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عمومی خویش، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود.

پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ هجری، به مدت ۱۰ سال در دوران امامت پدرش امام حسین علیه السلام که در اوج قدرت معاویه با او در ستیز و مبارزه بود، کنار او قرار داشت. همچنین در محرم سال ۶۱ هجری در جریان قیام و شهادت پدرش امام حسین علیه السلام در سرزمین کربلا حضور داشت.

پس از فاجعه کربلا که امامت به او رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی، به کوفه و شام برده شد و در این سفر تکیه‌گاه اسیران در کوران مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بود. ایشان در این سفر با سخنرانی‌های آتشین خود حکومت یزید را رسوا ساخت. پس از بازگشت از شام در شهر مدینه اقامت گزید تا آنکه در سال ۹۵ هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

نام، کنیه و القاب حضرت سجاد علیه السلام

نام مبارک ایشان علی است.

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۶۷

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۶۶

کنیه آن حضرت ابوالحسن و ابومحمد است.

القاب مشهور آن حضرت زین العابدین و سیدالساجدین، سیدالعابدین و... .

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است: پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگز یاد نعمتی از خدا را نکرده مگر اینکه سجده کرد برای شکر آن نعمت و هرگز آیه‌ای از کتاب خدا را نخواند، مگر آنکه سجده کرد و هرگاه حق تعالی از او بدی را دفع می‌کرد که از او در بیم بود یا مکر مکرکننده‌ای را از او می‌گردانید سجده می‌کرد و هرگاه توفیق می‌یافت میان دو کس را اصلاح کند، برای شکر آن سجده می‌کرد و اثر سجده در جمیع مواضع سجده آن حضرت بود و به این سبب آن حضرت را سجاد می‌گفتند.

زهری از سفیان بن عیینه پرسید: چرا ایشان را زین العابدین می‌گویی؟ گفت: شنیده‌ام از ابن عباس، که حضرت رسول فرمودند: در روز قیامت منادی ندا کند، کجاست زین العابدین، گویا می‌بینم فرزندم علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام در آن هنگام با تمام وقار و سکون صفوف اهل محشر را بشکافد و بیاید و در کشف الغمه است: سبب ملقب شدن آن حضرت به زین العابدین، آن است که شبی آن جناب در محراب عبادت به تهجد ایستاده بود، پس شیطان به صورت مار عظیمی ظاهر شد و پای حضرت را گزید به نحوی که حضرت ناراحت شد ولی توجه نکرد و پس از آنکه از نماز فارغ شد، فهمید که او شیطان است، پس فرمود: «دور شو ای ملعون» و باز متوجه عبادت خود شد. پس شنید که هاتفی سه مرتبه او را ندا کرد: **أنت زین العابدین**، تو زینت عبادت‌کنندگان؛

پس این لقب ظاهر و در میان مردم مشهور گشت.^۳

بیشتر کسانی که این لقب‌ها را به حضرت داده‌اند، شیعه

۳- منتهی الامال ص ۷۳۹ علل الشرایع ص ۳۳۰، باب ۱۶۵

و محب حضرت نبودند؛ اما نمی‌توانستند آنچه را در او می‌بینند نادیده بگیرند، هر یک از این لقب‌ها نشان‌دهنده مرتبه‌ای از کمال نفس و درجه‌ای از ایمان و مرحله‌ای از تقوا و پایه‌ای از اخلاص است و بیان‌دارنده اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده این لقب‌ها است: سید عابدان، پیشوای زاهدان، مهتر پرهیزکاران، امام مؤمنان و... و واقعا امام سجاد علیه السلام مظهر همه این صفات بودند.

همسر امام زین العابدین علیه السلام

از جمع زنان صدر اسلام، شخصیت‌هایی وجود دارند که درخشش معنویتشان در سراسر تاریخ اسلام پرتو افکنده است.

یکی از این فرزندان دختر امام مجتبی علیه السلام همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام است.

این بانوی کریمه، فاطمه نام داشت که معنویت او در طول تاریخ اسلام نورافشانی کرده است، از خاندان پاک رسالت و عصمت است و در شرافت و حیاء و عفت سرآمد زنان عصر خود بوده است.

این ریحانه امام حسن مجتبی علیه السلام صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است. به گونه‌ای که با اشاره دستش دیوار در حال ریزش بین زمین و آسمان معلق ماند. مقام والای او آن‌چنان است که تا مرز عصمت پیش رفته است و نسبتی این چنین شایسته دارد: دختر، همسر و مادر امام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و مقامشان نازل شده است. در خانه‌هایی زندگی می‌کردند که اهل آن، در عبادت، از برگزیدگان خلق بوده‌اند.^۴ و از جهتی این بانوی بزرگوار، مصداق «ارحام مطهره» است که در زیارت وارث وارد شده است.

۴- آیه ۳۶، سوره نور

فاطمه، دختر، همسر و مادر امام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و مقامشان نازل شده است، در خانه‌هایی زندگی می‌کرد که اهل آن، در عبادت از برگزیدگان خلق بودند.^۵

حاکمان هم‌عصر امام سجاد علیه السلام

زندگانی امام سجاد علیه السلام با حکومت عده‌ای از حاکمان ستمگر اموی مقارن بود که عبارتند از:

- ۱- یزید بن معاویه (۶۰-۶۴ ه.ق)
- ۲- معاویه بن یزید (۶۴-۶۵)
- ۳- مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵)
- ۴- عبد الملک بن مروان (۶۵-۸۶)
- ۵- ولید بن عبد الملک (۸۶-۹۶)

آن حضرت، در سال ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری در سن ۵۶ سالگی در مدینه منوره، توسط هشام بن عبد الملک به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد.^۶

دفاع فرهنگی در عصر استبداد

پیشوای چهارم شیعیان بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت‌بخش عاشورای حسینی، از لحظه‌ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهمتر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین علیه السلام

۵ - ارشاد شیخ مفید، مؤسسة الاعلمی للطبوعات، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، مجلسی، المكتبة الاسلامیه، ج ۴۶، ص ۱۲.
۶ - ارشاد شیخ مفید، همان، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، همان.

که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیت‌های آن امام همام به شمار می‌آید. امام سجاد علیه السلام در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می‌برد.

امام درباره وضعیت نابسامان عصر خود می‌فرماید: «روزگار ما در میان قوم خود، چون روزگار بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران را می‌کشتند و دختران را زنده به گور می‌کردند.

امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم به سبب ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما، بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرّب می‌جویند.»^۷

در آن زمان که حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می‌شدند، امام سجاد علیه السلام با اتخاذ صحیح‌ترین تصمیم‌ها و موضع‌گیری‌های مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوه‌ها توانست از فرهنگ اسلام و دست‌آوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود - به صورت شایسته‌ای پاسداری نماید. در این فرصت با سیره و زندگی آن گرامی بیشتر آشنا می‌شویم.

خطابه‌های حماسی و تأثیر گذار

بدون تردید روشنگری‌های امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و برخی دیگر از خاندان حضرت اباعبدالله علیه السلام بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است.

مهمترین دست‌آورد سخنان آن بزرگوار آگاه نمودن مردم

۷- سیره پیشوایان، به نقل از ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰

غفلت زده، بیدار کردن وجدان‌های خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت علیهم السلام نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و معرفی آن گرامیان به عنوان جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

امام سجاد علیه السلام در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی‌نگر، تأثیرپذیر و پیمان‌شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما برای پدرم نامه نوشتید و آنگاه بی‌وفایی نکردید؟!^۸

آیا با او عهدها و پیمان‌های محکم نبستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول‌الله صلی الله علیه و آله نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگوید: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید پس، از امت من نیستید! هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه‌کنان و ضجه‌زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگون‌بختی خود، که خود برگزیده بودند، تاسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می‌ریختند.^۸

مهمترین تأثیر این خطابه را می‌توان در سال ۶۵ هجری در قیام توأبین به وضوح به نظاره نشست.

همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیب متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره‌گیری از زیباترین و بلیغ‌ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد صلی الله علیه و آله را برای مردم ناآگاه شام نمایان ساخت.

۸ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲.

آن حضرت فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، أُعْطِينَا سِتًّا وَفَضَّلْنَا بِسَبْعٍ، أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمُحِبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَفَضَّلْنَا بِأَنَّ مَنَا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا، وَمَنَا الصَّدِيقَ، وَمَنَا الطَّيَّارَ، وَمَنَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، وَمَنَا سَيْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛
ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته‌ایم. به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد ﷺ و و امیر المومنین نخستین تصدیق کننده پیامبر ﷺ و جعفر طیار و [حمزه] شیر خدا و رسول او و حسن و حسین ﷺ و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده‌ایم.

آن حضرت در ادامه به فضائل بی‌شمار امیر مؤمنان ﷺ پرداخته و از چهره درخشان علی ﷺ به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین ﷺ به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت. این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شکست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد.^۹
امام سجاد ﷺ خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته‌دل و دل‌شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یک‌سال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی‌امیه رخ نمود که به (واقعه حره) معروف است.

گفتگوهای دشمن شکن

امام چهارم ﷺ در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می‌کرد دشمن می‌خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخ‌های کوبنده با نقشه‌های شیطانی آنان به ستیز بر می‌خواست که بارزترین نمونه‌های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می‌خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری ﷺ را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام‌زین العابدین ﷺ گشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین ﷺ است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم ﷺ فرمود: من برادری بنام علی بن الحسین داشتم که مردم او را به شهادت رساندند. ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد ﷺ آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ...» را قرائت نمود. ابن‌زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرأت کرده و پاسخ می‌دهی؟ او را ببرید و گردن بزنید. حضرت سجاد ﷺ در ادامه گفتگو فرمود: أَبَا لُقْتُلٍ تُهَدِّدُنِي يَا ابْنَ زِيَادٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ؛^{۱۰} ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و شهادت برای خدا عزت و کرامت ماست.

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچ‌گاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده‌ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت.

آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر

و شکستن ابهت و عظمت‌خاندان آل محمد ﷺ حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد ﷺ گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزید گفت: أَنْتَ ابْنُ الذِّي قَتَلَهُ اللَّهُ؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.

امام فرمود: أَنَا عَلِيٌّ، ابْنُ مَنْ قَتَلْتَهُ، مَنْ عَلِيٌّ، فَرَزْنَدُ كَسِي هَسْتَمُ كَه تَوَاوَا رَا بَه شَهَادَتِ رَسَانَدِي.

همچنین امام در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛^{۱۱} و هرکس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می‌ماند، خداوند بر او غضب می‌کند و از رحمتش دور می‌سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.

یزید که نتوانست این پاسخ‌های محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می‌کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد ﷺ با قاطعیت تمام فرمود: هیچ‌گاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی‌توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند.^{۱۲}

اشک‌های مؤثر

امام سجاد ﷺ برای زنده نگه‌داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبت‌های گوناگون بر عزیزانش گریه می‌کرد. اشک‌های حضرت زین العابدین ﷺ که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را

ترسیم می‌کرد، آثار پرباری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تاثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیون‌ها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت اباعبدالله علیه السلام مهمترین عامل محسوب می‌شود. عشق به امام حسین علیه السلام در سوگواری‌ها اشک می‌آفریند و این گریه‌های عزت‌بخش که افتخار شیعه می‌باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین علیه السلام را در خاطره‌ها زنده می‌سازد. حضرت سجاد علیه السلام بنیانگذار فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود ۳۵ سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از گریه‌کنندگان پنجگانه تاریخ نامیده شد.^{۱۳} وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می‌پرسیدند در جواب می‌فرمود: مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و ۱۷ تن از خانواده‌ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه‌ام کم شود؟^{۱۴}

حمایت معنوی از قیام‌های طاغوت‌ستیز

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و

۱۳- امالی صدوق، ص ۱۴۰.

۱۴- لهوف سید بن طاووس، ص ۳۸۰.

شجاعت و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان با الهام از جنبش شوراآفرین و حماسه‌ساز امام حسین علیه السلام و با تاثیرپذیری از خطابه‌های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب علیهما السلام روحیه اسلام‌خواهی و طاغوت‌ستیزی خود را در قالب قیام‌های مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست به شورش‌هایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند. شاخص‌ترین این جنبش‌ها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نام‌های قیام توابین، قیام مختار و قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت ابا عبدالله علیه السلام، غیرت دینی، اسلام‌خواهی و در نهایت محبت‌شدید به اهل بیت علیهم السلام را در شعارها و خواسته‌های خود نشان می‌دادند.

امام سجاد علیه السلام گرچه در ظاهر - به علت خفقان شدید و استبداد حاکم - در این قیام‌ها نقشی نداشت و در حالت تقیه به سر می‌برد، اما در واقع از رهبران اینها اعلام رضایت کرده و عملاً آنها را تایید می‌نمود.

به عنوان نمونه هنگامی که عده‌ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام به نزد محمد حنفیه آمدند و اظهار داشتند: مختار در کوفه قیام کرده و ما را نیز به همیاری و همکاری فراخوانده است، اما نمی‌دانیم که آیا او مورد تایید اهل بیت علیهم السلام هست یا نه؟ محمد حنفیه گفت: برخیزید به نزد امام من و امام شما، حضرت سجاد علیه السلام رفته و کسب تکلیف نماییم. هنگامی که موضوع را به عرض امام علیه السلام رساندند، آن حضرت فرمود: ای عمو! اگر غلامی به خونخواهی ما مردم را دعوت به قیام کند، بر همه مردم واجب است که او را یاری دهند و من تو را در این کار نماینده خود قرار می‌دهم، هر کاری در این زمینه صلاح می‌دانی انجام ده. آنان به همراه محمد حنفیه

از نزد امام خارج شدند، در حالیکه سخنان امام را شنیده بودند و می‌گفتند: امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده‌اند.^{۱۵}

نیایش‌های عارفانه و بیدارگر

از بهترین روش‌های امام سجاد علیه السلام برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان‌شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایش‌های عرفانی و روشنگر می‌باشد. دعا‌های حضرت سجاد علیه السلام که در مجموعه‌های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات‌نامه، خمسۀ عشر، دعای ابوحمزه ثمالی، نیایش‌های روزانه و... گرد آمده است، دل هر شنونده عارف و اندیشمندی را می‌لرزاند و توجه به معانی بلند و باشکوه آن، تشنگان وادی کمال و معرفت را سیراب می‌سازد.

در لابه‌لای این عبارات وحی‌گونه، - گذشته از اینکه مملو از حقایق و معارف حیاتبخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و آدمی را با توجه دادن به شگفتی‌های آفرینش، با خالق هستی مرتبط ساخته و به روح و جانش صفا می‌بخشد - فلسفه قیام حسینی تبیین می‌گردد و انسان نیایشگر ناخواسته از حالت انزوا و خمودی به صحنه مبارزه با طاغوت و ستمگران سوق داده شده و راه عزت حقیقی به وی نشان داده می‌شود.

در حقیقت آمیزش عرفان و حماسه یکی از بارزترین جلوه‌های معنوی فرهنگ عاشورا است، همچنانکه سید بن طاووس در مورد عرفان و معنویت عاشورائیان می‌نویسد: در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام و یارانش آنچنان به عبادت و مناجات مشغول بودند که زمزمه‌های عاشقانه آنان همانند صدای زنبور عسل به

۱۵- ذوب النضار، ص ۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

گوش هر شنونده‌ای می‌رسید. برخی در حال رکوع وعده‌ای در حال سجده و یا در قیام و قعود بودند.^{۱۶} این نیایشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن روز آنچنان جانبازی کرده و حماسه آفریدند که اهل آسمان و زمین را به تحیر واداشتند.

امام سجاد علیه السلام میراث‌دار این قافله حماسه و عرفان و عشق بود که برای احیا و پاسداری از آن، در مقابل شیطان و شیطان صفتان جبهه‌ای باطنی گشود و ارتباط حقیقی با آفریدگار جهان را به عنوان یکی از علل و عوامل قیام عاشورا برای تمام انسان‌های خداجو و حقیقت طلب عرضه نمود و از این طریق عزت واقعی را به آنان شناساند که «انَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^{۱۷} به درستی که همه عزت از آن خداوند است.

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه به تبیین جایگاه امامان شیعه و مظلومیت آنان پرداخته و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَمَوَاضِعَ أَمْنَاتِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَرَوْهَا»؛ بارالها! این مقام [امامت] شایسته جانشینان و برگزیدگان و امنای تو در درجات بلندی است که خودت آنان را به آن اختصاص داده‌ای [و غاصبان] آن را به غارت برده‌اند.

آن حضرت در فرازی از مناجات محبین به عاشقان عارف و حقیقت طلب چنین می‌آموزد: الهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنكَ حَوْلًا إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَّيْتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لَوُدِّكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ^{۱۸} خداوند! کیست که

۱۶ - لهوف، ابن طاووس، ص ۱۷۲ .

۱۷ - یونس/ ۶۵ .

۱۸ - مفتاح الجنان، مناجات نهم .

شیرینی محبتت را چشیده باشد و بجای تو دوستی دیگران را برگزیده باشد و کیست که به مقام قرب تو مانوس شده و [بعد از آن] لحظه‌ای از تو روی گردانیده باشد؟! بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و دوستی خودت برگزیده‌ای و آنان را برای مهر و محبت خود خالص گردانیدی و آنان را برای ملاقات خود شائق ساختی.

مهمترین نکته‌ای که در نیایش‌های امام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام و یاران آنان در راس برنامه‌های حکومت اموی بوده است و حتی لعن حضرت علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان دقت است.

همچنین نمایاندن عظمت اهل بیت علیهم السلام، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین ایشان به شمار می‌آید.

نظریه‌های علمی در صحیفه سجادیه

از همه مهمتر اشاره امام سجاد علیه السلام در بین همین دعاها به مهمترین حقایق و نظریه‌های علمی است که دانشمندان برجسته جهان بعد از قرن‌ها آن را کشف کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به وجود میکروب وبا در آب اشاره کرد که امام سجاد علیه السلام قرن‌ها قبل از دانشمندان اروپائی آن را اعلام کرده است.

امام در مناجات ۲۷ صحیفه سجادیه که در مورد مرزداران اسلامی دعا می‌کند، به دشمنان اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: اللَّهُمَّ وَأَمْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَأَطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ^{۱۹}؛ خدایا، آب‌هایشان را به وبا بیالای و خوراک‌هایشان به

۱۹ - صحیفه سجادیه، دعای ۲۷ فراز ۱۲.

دردها بیامیز!

حکومت معنوی در عصر خفقان

از مهم‌ترین رازهای توفیق پیشوایان معصوم علیهم السلام در طول حیات و بعد از شهادت آن بزرگواران، جایگاه معنوی و شخصیت والایشان در قلوب انسان‌های مشتاق فضائل و کمالات بوده است.

از آنجا که حضرات معصومین علیهم السلام هر کدام در عصر خویش به عنوان اسوه کامل انسانیت و بارزترین نمونه کمالات و صفات انسانی بوده‌اند و عموم مردم فطرتاً چنین صفاتی را دوست دارند؛ به این جهت، به امامان معصوم علیهم السلام به دیده محبت و عشق می‌نگریسته‌اند.

حتی دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت انکارناپذیر، بارها زبان به ستایش پیشوایان معصوم گشوده و مناقب و افتخارات آنان را به دیگران یادآور شده‌اند.

مروری کوتاه بر جایگاه معنوی حضرت زین‌العابدین علیه السلام در جامعه آن عصر این حقیقت را بیشتر می‌نمایاند و برخی از علل محبوبیت آن پیشوای راستین خلق در دل‌های مشتاق را روشن می‌کند.

امید است ما نیز با پرورش محبت روزافزون آن امام همام، دل‌هایمان را از زنگار جهل و خرافه‌ها زدوده و در پرتو دوستی اهل بیت علیهم السلام گام‌های سعادت آفرین به سوی کمال برداریم.^{۲۰} ان شاء الله

۲۰- تا گفته نماند که مقصود ائمه اطهار علیهم السلام جلب رضایت مخلوق در مقابل سخط و خشم خالق نبوده است؛ زیرا: الف) ساختار شخصیت آن بزرگواران و رفتار و کردارهای پسندیده شان طبیعتاً با فطرت مردم سازگار بوده و انسان‌های پاک فطرت و عموم مردم عادی به دیده محبت و احترام به آنان می‌نگریستند. ب) چون امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت مردم و پیشبرد مقاصد الهی خود

کارآمدترین شیوه تربیتی

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده «عفو، گذشت و جوانمردی» بود. در این راستا امام سجاد علیه السلام از یک شیوه کارآمد و پسندیده تربیتی بهره می‌گرفت. امام صادق علیه السلام فرمود: در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین علیه السلام در مورد غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت را به کار می‌گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد.

جوانمرد باشی دو گیتی تو راست

دو گیتی بود بر جوانمرد راست

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هرکس را با نام و موضوع تخلف مشخص می‌نمود.

در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، برایشان یادآور می‌شد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد

به مقبولیت اجتماعی نیاز داشتند تا آنجا که اهداف الهی و اصول مسلم اسلام اجازه می‌داد، سعی می‌کردند افکار عمومی و رضایت مردم را در راستای ارزش‌های معنوی جلب کرده و آنان را در مقابل اهل باطل بسیج نمایند. چنان‌که بارها از این نیروی عظیم بر ضد ستمگران و زورگویان بهره می‌بردند. البته هرگاه هم که مردم آن بزرگواران را همراهی نمی‌کردند، ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال اهداف الهی خود می‌رفتند و از مردم زمانه خود که جانب باطل را انتخاب کرده بودند، فاصله می‌گرفتند.

می‌آوری؟! فرد خطاکار هم می‌گفت: بلی، ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند.

آنگاه به آنان می‌فرمود: با صدای بلند به من بگویید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان‌که تو اعمال ما را نوشته‌ای؛ نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام اعمالت را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، همچنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان‌طور که دوست‌داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حسابگری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفوکن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد. چنان‌که خودش در قرآن می‌فرماید:

« وَلْيَعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا إِلَّا تَجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ »^{۲۱} باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد!؟

و خداوند آمرزنده مهربان است. امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان باهم تکرار می‌کردند و خود امام علیه السلام که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست

۲۱- سوره نور، آیه ۲۲.

و با لحنی ملتسمانه می‌گفت: « رَبِّ! أَنْتَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمْنَا فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ، فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمُأْمُرِينَ »^{۲۲} پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان‌طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، درگذشتیم، توهم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری.»

پس از این برنامه عرفانی و تربیتی، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمتگزاران خویش می‌فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده‌ی فرومایه‌ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌ام، ببخشید!؟

همگی یکصدا می‌گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده‌ایم، تو را ببخشیدیم. آنگاه به آنان می‌فرمود: بگویید: خداوندا! از علی بن الحسین درگذر! همان‌طور که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان‌طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می‌کردند و امام چهارم علیه السلام آمین می‌گفت و در پایان می‌فرمود: بروید! من همه شما را عفو کردم و آزادتان می‌کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند.

تربیت انسان‌های صالح

حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عید فطر آنقدر به خدمتگزاران خود جایزه و هدیه می‌بخشید که از دیگران بی‌نیاز می‌شدند.

سیره امام سجاد علیه السلام چنان بود که هرگاه بنده‌ای را در اول

۲۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

سال یا وسط سال مالک می‌شد، بعد از یک دوره آموزش و اعمال شیوه‌های تربیتی صحیح، در شب عید فطر آزادش می‌کرد. آن بزرگوار بندگان سیاه را که هیچ‌گونه نیازی به آنان نداشت، می‌خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همراه هدایای قابل توجهی آزادشان می‌ساخت.^{۳۳} و به این ترتیب امام، بردگان را نه تنها در بُعد جسمانی بلکه از افکار و اندیشه‌های خرافی، جهل و غفلت رها می‌ساخت. لذا تربیت‌یافتگان مکتب حضرت علی بن الحسین علیهما السلام از ذلت غفلت و خرافه‌پرستی به اوج عزت معنوی و عرفانی نائل می‌شدند. و بیچاره‌ترین بردگان عصر آن حضرت در اثر ارتباط با درگاه امامت، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی و عالمان ربّانی مبدّل می‌گشتند.

سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابوسعحاق بن عبدالله سبعی، سالم بن ابی حفصه، شرحبیل بن سعد، عبدالله بن دینار، ابو خالد کابلی، محمد بن شهاب زهری، معروف بن خربوذمکی، یحیی بن امّ طویل، حبابه و البیه و...^{۳۴} از جمله تربیت‌یافتگان مکتب حضرت سجاد علیه السلام می‌باشند.

یاران و شاگردان حضرت امام زین العابدین علیه السلام

شیخ طوسی در حدود ۱۷۰ نفر از یاران و شاگردان آن حضرت را فهرست کرده است که بیشتر آنان از امام سجاد علیه السلام بهره‌های علمی برده و روایت نقل کرده‌اند. در اینجا به چند تن از چهره‌های معروف آنان اشاره می‌کنیم:

۱- **ابوحمزه ثمالی**: وی رهبری شیعیان کوفه را به عهده داشت و در علم حدیث و تفسیر به مراتب عالی دست‌یافته و مورد علاقه و اعتماد امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته بود.

۲۳- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲۴- رجال الشیخ، اصحاب علی بن الحسین علیهما السلام.

ابوحمزه از جمله یاران نزدیک امام بود که امام سجاد علیه السلام برای اولین بار قبر امام علی را - که تا آن زمان نامعلوم بود - به وی شناساند و او به همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت حضرت علی علیه السلام می‌رفت.

تفسیر قرآن، کتاب نوادر، کتاب زهد، رساله حقوق امام سجاد، دعای سحرماه رمضان امام سجاد علیه السلام که معروف به ابوحمزه ثمالی از جمله آثار این شایسته‌ترین شاگرد مکتب امام چهارم علیه السلام می‌باشد.

۲- **یحیی بن ام طویل مطعمی**: وی از شاگردان نزدیک امام چهارم علیه السلام بود و با شهامت و جرأت تمام، طرفداری خود را از اهل بیت علیهم السلام و دشمنی‌اش را با ستمگران عصر علنی کرده و بدون واهمه ابراز می‌داشت. او وارد مسجد پیامبر شده و با کمال شجاعت، در میان مردم حاضر، خطاب به زمامداران مستبد و خودخواه می‌گفت: ما مخالف شما و منکر کفر و روش شما هستیم، میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است.^{۲۵} گاهی در میدان بزرگ کوفه ایستاده و با صدای رسا می‌گفت: هر کس علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان بیزار هستیم.

۳- **محمد بن مسلم بن شهاب زهری**: وی که در ابتدا از علمای اهل سنت بود، در اثر معاشرت با امام چهارم و بهره‌های شایان علمی که از آن حضرت می‌برد، به حضرت سجاد علیه السلام علاقه شدیدی پیدا کرد و از آن حضرت همیشه با لقب زین العابدین علیه السلام یاد می‌کرد. امام چهارم نیز از این ارتباط استفاده کرده و در مناسبت‌های مختلف او را از یاری رساندن به ستمگران بر حذر می‌داشت و در نامه مفصلی، عواقب ارتباط و تمایل به زمامداران ستم پیشه را به وی گوشزد نمود.

۲۵- معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۲۸.

او از افرادی است که بیشترین بهره را از امام چهارم برده است. روزی زهری به حضور حضرت رسید، امام وی را افسرده و اندوهگین دیده و علت را پرسید. زهری گفت: ای پسر پیامبر! اندوه من از سوی برخی مردم به‌ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها بر خلاف انتظار من به من حسد ورزیده و چشم طمع به اموالم دوخته‌اند.

امام چهارم در ضمن ارائه رهنمودهای راهگشایی، به وی فرمود: «**احْفَظْ عَلَیْكَ لِسَانَكَ تَمَلِّكَ بِهِ اِخْوَانِكَ**؛ اگر از زبانت مواظبت کنی همه دوستان و آشنایانت در اختیار تو خواهند بود» آنگاه حضرت افزود: زهری! کسی که عقلش کاملترین اعضا وجودش نباشد، با کوچکترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود» پیشوای چهارم ضمن اشاره به مهمترین رمز توفیق در زندگی فرمود: اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سر زده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام.

هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این اندیشه عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکی‌های دیگران تو را خوشحال می‌کند و از بدی و اذیت‌های آنان آزرده نخواهی شد.^{۲۶}

ابان بن تغلب، بشر بن غالب اسدی، جابر بن عبدالله انصاری، حسن بن محمد بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین علیهما السلام، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس هلالی، ابو الاسود دؤلی، فرزندق شاعر، منهال بن عمرو اسدی، حبابه و... از جمله معروفترین شاگردان و یاران امام سجاد علیه السلام محسوب می‌شوند که در

۲۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۶.

تداوم نهضت کربلا و رساندن پیام امام به نسل‌های آینده نقش مهمی داشته‌اند.
همچنین حضرت زین‌العابدین علیه السلام با گرامی داشتن شعرای متعهد، از آنان به عنوان زبان گویای اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد. کمیت‌بن زیاد اسدی و فرزدق شاعر از جمله آنان می‌باشند.

محبوبیت حضرت سجاد علیه السلام از منظر دیگران

این شیوه خداپسندانه امام چهارم علیه السلام موجب شد که دوست و دشمن، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست بدارند. آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، رهین کردارهای انسانی و کمالات الهی‌اش بود تا آنجایی که خلفای بنی‌امیه نیز به آن اعتراف می‌کردند.
ابن شهر آشوب می‌گوید: امام سجاد علیه السلام در نزد عمر بن عبدالعزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت؛ هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شده و بیرون رفت، عمر بن عبدالعزیز رو به اطرافیان‌ش کرده و گفت: بهترین و شریف‌ترین مردم به نظر شما امروزه کیست؟ همه گفتند: شما ای خلیفه! او گفت: نه، هرگز! بهترین و شریف‌ترین مردم همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت! او چنان قلب‌ها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند اما او هیچ‌گاه آرزو نمی‌کند که به جای یکی از ماها باشد.^{۲۷}

نفوذ صحیفه سجاده در قلب اروپا

خوشتر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

۲۷- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۷.

پروفسور آنه ماری شیمل آلمانی^{۲۸} خاورشناس، اسلام‌پژوه و مستشرق مشهور آلمانی و استاد دانشگاه هاروارد آمریکا بعد از آنکه باکمال انصاف در مقابل معارف اهل بیت علیهم السلام متواضعانه سر تسلیم فرود آورده به‌ویژه صحیفه سجاده را شناخته و تصمیم گرفته آنرا برای مخاطبین خود شرح کند، در مصاحبه‌ای می‌گوید: من همواره دعاها را از اصل عربی می‌خوانم و به هیچ ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. البته بخش‌هایی از صحیفه سجاده را به زبان آلمانی ترجمه کرده‌ام. وقتی مشغول برگردانیدن این دعاها به زبان مذکور بودم، مادرم به دلیل کسالت در بیمارستانی بستری بود و من مدام به او سر می‌زدم و کاملاً در جریان احوالش بودم. پس از اینکه او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از اتاق مشغول پاکنویس نمودن ترجمه‌ها می‌شدم.

اضافه کنم که اتاق مادرم دو تختی بود و در تخت دیگر خانمی مسیحی که عقاید کاتولیکی محکم و راسخ و در عین حال متعصبانه داشت، بستری بود.

۲۸ - پروفسور آنه ماری شیمل آلمانی در اکتبر سال ۱۹۴۱، رساله دکترای خودش بر روی موضوع «مصر در اواخر دوران قرون وسطی» را به آنها رسانید، و با آنکه هنوز ۱۹ سال بیشتر نداشت، موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه برلین شد. او همچنین، دکترای دوم خود را در سال ۱۹۵۱ در حوزه تاریخ ادیان و با رساله‌ای پیرامون «عشق عرفانی در اسلام» دریافت نمود. پروفسور فقید، آنه ماری شیمل، علاوه بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی که کتاب‌ها و مقالات خود را بیشتر به این دو زبان نوشته است به زبان‌های فرانسه، فارسی، عربی، ترکی، اردو، سندی و بنگالی نیز احاطه داشت و آثار وی نشان می‌دهد که وی به کمال سهولت می‌توانسته متون قدیم و جدید را به این زبانها، خاصه فارسی و عربی، بخواند و در آثاری که به این زبانها نوشته شده به تحقیق بپردازد و حتی از آن‌ها به انگلیسی و آلمانی ترجمه کند. از نکات جالب‌درباره این بانوی دانشمند آنکه او گاهی آثار خود را از آلمانی به انگلیسی و یا برعکس ترجمه می‌کرده است. آنه ماری شیمل یکی از معدود مستشرقانی است که به معارف اسلام و اهل بیت ع با دیده انصاف نگریسته است. تالیف یکصد کتاب تحقیقی، چهارده مدال علمی و هفت دکترای افتخاری از جمله‌ی نتایج زحمات این بانوی دانشمند است.

او از روی ایمانی که به مذهب خویش داشت، وقتی متوجه شد من مشغول ترجمه دعاهایی از یک متن اسلامی هستم، آزرده خاطر گردید و با ناگواری و نگرانی گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان از نظر ادعیه کمبودی داریم که تو اکنون به دعاهاى مسلمانان روی آورده‌ای؟! جوابی به وی ندادم اما وقتی کتابم چاپ شد، نسخه‌ای از آن را برایش فرستادم. مدتی بعد با من از طریق تلفن تماس گرفت و خاطر نشان ساخت: «بسیار صمیمانه از این هدیه جالب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعاهاى انجیل آن را می‌خوانم!»

آری واقعا ترجمه معارف اهل بیت مخصوصا صحیفه سجاده می‌تواند تا این حد در میان غربی‌ها تحول‌آفرین و کارساز باشد.^{۲۹}

این بانوی دانشمند وادیب و نابغه مشهور آلمانی وصیت کرد روی قبرش کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام بنویسند. تصویر سنگ قبر آنه‌ماری شیمل که در آن حدیثی از علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام نقش بسته است: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» مردم خوابند؛ وقتی می‌میرند بیدار خواهند شد.

اعتراف بزرگ مفسر اهل سنت

کلمات امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده نه تنها از نگاه معرفتی و عرفانی منبعی سرشار و متصل به عالم علوی است بلکه از نگاه بلاغت بیان و برتری گفتار حدی است که: سخنوران ساحر و فصیحان و ادیبان سحرانگیز در برابر آن سر تعظیم فرود آورده‌اند، تا حدی که به آن لقب انجیل

۲۹ - آنه ماری شیمل بانوی شرق شناس جهان غرب، ماهنامه از دیگران، سال دوم، ش ۵، مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۰ و ۱۱

اهل بیت و زبور آل محمد و اَحْت القرآن داده‌اند.^{۳۰} نوزدهم ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی رحمته‌الله‌علیه نامه‌ای را به همراه یک نسخه از صحیفه‌ی سجاده‌ی امام سجاد علیه‌السلام به یکی از علماء اهل سنت مصر بنام علامه جوهری طنطاوی صاحب تفسیر معروف و مفتی اسکندریه می‌فرستد وی پس از دریافت این هدیه و نامه آیت‌الله مرعشی چنین می‌نویسد:

حضرت استاد علامه سید شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی، نَسَابَه خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، که خدا او را محفوظ دارد؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! نامه گرامی مدتی پیش به ضمیمه کتاب صحیفه از کلمات امام زاهد اسلام: علی‌زین‌العابدین بن‌امام حسین شهید، ریحانه مصطفی رسید.

کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود. حَقّاً که از بدبختی است که ما تاکنون به این اثر گرانبهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته‌ایم. من هر چه در آن مطالعه و دَقّت می‌کنم می‌بینم که آن بالاتر از کلام مخلوق و دون کلام خالق است.^{۳۱} راستی چه کتاب کریمی است! خدای شما را در برابر این هدیه بهترین پاداش بخشد و به نشر علم و هدایت موفق و مؤید بدارد. و شما سزوار این کارید.

دیگر آنکه آیا کسی از علمای اسلام این کتاب را شرح کرده؟! و آیا چیزی از آن شروح نزد شما یافت می‌شود یا

۳۰- امام شناسی، حسینی تهرانی، ج ۱۵، ص: ۴۶

۳۱- وَ مِنَ الشَّقَاءِ أَنَا إِلَى الْآنَ لَمْ تَقَفْ عَلَي هَذَا الْأَثَرِ الْعَمِيمِ الْخَالِدِ مِنْ مَوَارِيثِ النَّبُوَّةِ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ. وَ إِنِّي كُلَّمَا تَأَمَّلْتُهَا رَأَيْتُهَا فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ

نه؟! در پایان دوام شما را از کرم خدای تعالی امید دارم. آیت‌الله مرعشی در پاسخ به نامه علامه طنطاوی تعدادی از شروح صحیفه‌سجاده‌ی را نام برده و به همراه آن کتاب «ریاض‌السالکین» و برخی کتب دیگر را برای وی ارسال می‌دارد که این بار نیز علامه طنطاوی از این نامه خوشحال شده، می‌نویسد:

حضرت علامه استاد حَجَّتْ بارع و نقیب اشراف و نَسَابَه خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سید شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی دامت اَیّامه.

سلام و رحمت خدا بر شما باد!

نامه شریف به ضمیمه کتاب «ریاض‌السالکین» در شرح صحیفه امام زین‌العابدین علی بن‌الحسین السَّبْط، تألیف علامه سید علی بن معصوم مدنی و صاحب کتاب «سلافة‌العصر» و کتاب‌های دیگر، که در باب خود از کتب بی‌نظیر بود رسید و من آن را به دانشمند فاضل سید محمد حسن اعظمی هندی منشی کل جماعت اخوت اسلامی تسلیم کردم و او آن را به عنوان هدیه شما به من و هدیه من به جمعیت، در کتابخانه جمعیت گذاشته، تا نفعش دائمی‌تر و شاملتر و عمومی‌تر باشد و جمعیت اخوت اسلامی خوشوقت خواهد شد که از کتبی که در کشور شما یافت می‌شود برایش بفرستید.

زیرا این جمعیت از همه مذاهب اسلامی تشکیل شده و من به حول و قوه خدای تعالی آماده و مجهّز که انشاء الله شرحی بر این صحیفه گرامی بنویسم. در پایان تحیات و سلام را بپذیرید! مخلص، طنطاوی جوهری.^{۳۲}

۳۲- جریان این نامه نگاری در مقدمه ی کتاب «صحیفه سجاده» با مقدمه آیه الله مرعشی طبع سنه ۱۳۶۹، هجریه قمریه و ترجمه دانشمند شهیر آقای سید صدر الدین بلاغی، از نشریات دار الکتب الاسلامیه شیخ محمد آخوندی،

زیباترین شیوه معاشرت

در اینجا به برخی از رفتارهای پسندیده امام سجاد علیه‌السلام که در جذب قلوب و صید دل‌های مردم تأثیر فراوان داشته است، اشاره می‌کنیم:

پناه بی پناهان

زمخشری نقل کرده است: هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود مسرف بن عقبه را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه پرداختند، حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام چهارصد نفر از بانوان بی پناه را پناه داد و آن حضرت در کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی نمود.

هنگامی که لشکر مسلم بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: به خدا قسم! در کنار پدر و مادرمان این چنین زندگانی خوش و آرامش روحی و روانی نداشته‌ایم که در سایه عطوفت و محبت این مرد شریف (حضرت سجاد علیه‌السلام) در این مدت بحرانی این چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم.^{۳۳}

خدمتگزار ناشناس

امام صادق علیه‌السلام فرمود: حضرت سجاد علیه‌السلام هرگاه مسافرت می‌رفت، سعی می‌کرد با کاروانی سفر کند که او را نشناسند و شرط می‌کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد.

یکبار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت:

ص ۳۷ و ص ۳۸
۳۳- منتهی الامال، ج ۲، ص ۸

آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی‌شناسیم. آن مرد گفت: این شخص حضرت علی بن الحسین علیه السلام است! اهل کاروان که این جمله را شنیده و امام را شناختند، یک‌دفعه از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند:

ای فرزند رسول خدا! آیا می‌خواهی ما را آتش جهنم فراگیری؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطائی سر می‌زد و به شما جسارتی می‌کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی‌شدیم؟! چه انگیزه‌ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟

امام سجاد علیه السلام فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطف و مهربانی ننارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبادا شما نیز بیش از حد بر من احترام کنید و ناشناس بودن را بهتر می‌پسندم.»^{۳۴}

بی‌تردید این سیره پسندیده حضرت سجاد علیه السلام برگرفته از کلام حضرت خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله می‌باشد که فرمود: «مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسِتِّعِينَ كَرْبَةً»^{۳۵} هرکس به یک مؤمن مسافر یاری و خدمت نماید، خداوند متعال هفتاد و سه بلا و اندوه را از او زایل خواهد کرد.»

راز تسخیر دل‌ها!

امام علیه السلام همواره این آیه شریفه را مد نظر داشت که: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي

۳۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۳۵- همان، ص ۴۲۹.

بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛^{۳۶} و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد.»

آن وجود گرامی با عمل به این آیه دل‌های مستعد کمال را تسخیر می‌کرد.

علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: روزی امام سجاد علیه السلام از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، به حضرت زین‌العابدین علیه السلام جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام علیه السلام خواستند که آن شخص را تادیب کنند. اما حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنگاه به او نزدیک شده و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی! سپس با مهربانی و عطف تمام فرمود: «الْك حَاجَةٌ نَعِينُكَ عَلَيْهَا»؛ آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟!

مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید. اما امام چهارم علیه السلام او را نوازش کرده و عباي ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. بعد از آن واقعه، آن مرد شدیداً به امام علاقه‌مند گردید و در هرکجا که می‌رسید، به بیان فضائل و مناقب آن حضرت می‌پرداخت و خطاب به حضرتش می‌گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی.^{۳۷}

این رفتارهای آموزنده و انسانی موجب شده بود که مخالف و موافق، آن حضرت را از اعماق وجودشان دوست بدارند

۳۶- فصلت / ۳۴

۳۷- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱.

و به شخصیت والای امام سجاد علیه السلام به دیده احترام و عظمت بنگرند.

روش های دوست‌یابی

محمد بن مسلم بن شهاب زهري^{۳۸} روزی با حالتی افسرده و اندوهگین به حضور امام سجاد علیه السلام آمد. وقتی امام علت ناراحتی وی را پرسید، گفت: اندوه من از سوی برخی مردم به‌ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها برخلاف انتظارم به من حسد ورزیده و چشم طمع در اموالم دوخته‌اند.

امام چهارم علیه السلام رهنمودهای راهگشایی به وی ارائه فرموده و سپس افزود: «اِحْفَظْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ تَمْلِكُ بِهِ اِخْوَانَكَ»؛ اگر از زبانت مواظبت کنی، همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود [و تو را دوست خواهند داشت]. سپس فرمود: «زهري! کسی که عقلش کامل‌ترین اعضاء وجودش نباشد، با کوچک‌ترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود.»

حضرت سجاد علیه السلام مهم‌ترین رمز توفیق در زندگی را، تواضع و احترام به دیگران دانسته و می‌فرماید: «اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و مقامت را بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگواری که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سرزده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام. هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این تفکر عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حد اقل خواهند رسید. در

۳۸- وی در ابتدا از علمای اهل سنت بود اما در اثر معاشرت با امام چهارم علیه السلام و نیل به بهره‌های شایان علمی و انسانی از محضر امام سجاد علیه السلام به آن حضرت علاقه شدیدی پیدا کرد و از امام همیشه با لقب «زین‌العابدین» یاد می‌نمود.

این صورت نیکی های دیگران تو را خوشحال می کند و از بدی و اذیت های آنان آزاده نخواهی شد.^{۳۹}

محبوبترین رهبر آسمانی

داستان معروف امام سجاد علیه السلام هنگام زیارت بیت الله الحرام دلیل واضحی بر جایگاه والای معنوی و اجتماعی آن حضرت در عصر خود می باشد. خلاصه آن ماجرا چنین است:

در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، سالی پسرش هشام بن عبدالملک^{۴۰} به زیارت خانه خدا رفت؛ اما در اثر ازدحام جمعیت نتوانست «حجرالاسود» را زیارت کند و کوشش اطرافیانش نیز در این زمینه نتیجه ای نداشت. ناگزیر برای او در کنار کعبه تختی نصب کردند و وی در آنجا نشست و به تماشای حججاج و طواف کنندگان پرداخت. اطرافیان شامی او نیز در کنارش گرد آمده و به اجتماع پرشکوه حج نظاره می کردند. در همین حال، ناگهان حضرت سجاد علیه السلام پدیدار شد؛ آن حضرت که در میان جمعیت با سیمایی زیبا و وجودی نورانی همچون ستاره ای می درخشید، گرد خانه خدا طواف کرد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، مردم با کمال احترام و تواضع راه را بر امام باز کردند و حضرت به راحتی حجرالاسود را زیارت نمود.

این منظره که هشام و اطرافیانش را به حیرت واداشته بود، موجب شد تا یکی از شامیان از هشام بپرسد که: این شخص با عظمت کیست که مردم این چنین احترامش می کنند؟ اما

۳۹- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹.

۴۰- وی از سال ۱۰۵ تا ۱۲۵ ه. زمام حکومت را به دست گرفت. از آنجایی که امام چهارم علیه السلام در سال ۹۵ ه. توسط ولید بن عبدالملک به شهادت رسید، هشام بن عبدالملک جانشین خلیفه به شمار می آمده است.

هشام به جهت اینکه شامیان آن حضرت را نشناسند، پاسخ داد: من هم نمی شناسم! «فرزدق» شاعر که در آنجا حاضر بود، بلند شده و با جرئت تمام گفت: اما من او را می شناسم! گفت: من می شناسمش نیکو

زو چه پرسى، به سوى من کن رو
اگر هشام او را نمى شناسد، من آن جوان زیبا رو و نورانی
چهره را خوب مى شناسم. مرد شامی گفت: او کیست ای
ابو فراس؟! فرزدق در پاسخ آن مرد شامی قصیده معروف
خود را در چهل بیت سرود؛ از جمله اینکه:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَ طَأْتَهُ
وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَ الْحِلُّ وَ الْحَرَمُ

این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت
او را می شناسد و خانه کعبه، حل و حرم او را
می شناسند.

هَذَا ابْنُ خَيْرٍ عِبَادَ اللَّهِ كُلِّهِمْ

هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

این فرزند بهترین بندگان خداست. این جوان پاک و پاکیزه
و پیراسته و شناخته شده است.

مَا قَالَ لَا قَطُّ إِلَّا فِي تَشْهَدِهِ
لَوْ لَا التَّشْهَدُ كَانَتْ لَأُوهُ نَعَمَ

هرگز کلمه (لا) بر زبان نیاورد مگر در تشهد نماز که اگر
آنهم نبود (لا) ی او همه اش (بلی) بود.

هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ أَنْ كُنْتُ جَاهِلَهُ

بِجَدِّهِ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ قَدْ خْتَمُوا

این فرزند فاطمه است. اگر او را نمی شناسی، او کسی است
که جدش خاتم الانبیاء می باشد.

... او از خاندانی است که محبت ایشان، دین و دشمنی با

آنان، کفر و نزدیک شدن به آنان، پناهگاه و نجات بخش است.
هرکسی خدای را بشناسد، نیاکان او را نیز نیک می شناسد که
دین اسلام از خانه او به سایر مردم رسیده است....

هشام بن عبدالملک بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین
شد و حقوق فرزدق را از بیت المال قطع نموده و او را در
عسفان (بین مکه و مدینه) زندانی کرد. حتی در اعتراض به
فرزدق گفت: تو تا به حال برای ما چنین مدحی نگفته ای!
فرزدق گفت: تو نیز جدی مثل جد او و پدری مثل پدر او
و مادری مثل مادر او بیاور تا من شبیه این ابیات را در مورد
شما نیز بسرایم.

بعد از این ماجرا، امام سجاد علیه السلام دوازده هزار درهم برای
فرزدق فرستاد و فرمود: ای ابو فراس ما را معذور دار؛
اگر بیش از این مقدورمان بود، برایت می فرستادیم. اما او
نپذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا! آنچه من گفتم، به
خاطر جایزه نبوده بلکه برای رضای خدا و رسولش بوده
است. من پاداشی از شما نمی خواهم.

امام علیه السلام دوباره آن اموال را برای فرزدق فرستاد و فرمود:
«خداوند مکان و منزلت و نیت تو را می داند، به حق من آن
را قبول کن.» و فرزدق آن را پذیرفت.^{۴۱}

برگی از دفتر آفتاب

- ۱- نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمُودَّةِ وَالْمَحَبَّةِ
لَهُ عِبَادَةٌ.^{۴۲} نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از
روی دوستی و محبت به او، عبادت است.
- ۲- كَفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ

۴۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۹. روضة الواعظین، ج ۱، ص: ۲۰۰

۴۲- تحف العقول ص ۲۸۲

- آجلاً؛^{۴۳} خودداری از آزار دیگران، نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است.
- ۳- خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصَّدَقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ؛^{۴۴} بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.
- ۴- مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ، وَ أَدَبُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ.^{۴۵} هم‌نشینی با صالحان انسان را به سوی صلاح و خیر می‌کشاند، و معاشرت و هم‌صحبت شدن با علماء سبب افزایش شعور و بینش می‌باشد.
- ۵- اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ؛^{۴۶} انتظار فرج از برترین اعمال است.
- ۶- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ.^{۴۷} خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده‌روی محافظت فرما.
- ۷- الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا يَدْخُرُ لَهُ، وَ إِمَّا يُعْجَلُ لَهُ، وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ؛^{۴۸} مؤمن از دعای خویش یکی از سه بهره را دارد: یا برایش ذخیره می‌شود، یا برایش مستجاب می‌گردد، یا بلایی که مقدر بوده به او برسد، از او دفع می‌شود.

۴۳- تحف العقول ص ۲۸۳

۴۴- بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۱۶۱ - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ص ۹۳، ج ۲۱

۴۵- بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۴۱، ضمن ج ۳۰، و ج ۵۷، ص ۳۰۴

۴۶- منتخب الاثر، ص ۲۴۴

۴۷- صحیفه سجادیه، «دعاء ۳۰».

۴۸- تحت العقول، ص ۲۸۰

- ۸- إِيَّاكَ وَ الْإِبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ، فَإِنَّ الْإِبْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِهِ؛^{۴۹} از خوشحال شدن به گناه بپرهیز، چراکه خوشحالی از انجام گناه، از ارتکاب گناه بدتر است.
- ۹- يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ؛^{۵۰} ای فرزندم! از ستم به کسی که جز خداوند یاور و پشتیبانی علیه تو ندارد، برحذر باش.
- ۱۰- إِنْ صَدَقَةَ السَّرَّ تَطْفِيءُ غَضَبِ الرَّبِّ؛^{۵۱} همانا صدقه پنهانی، آتش خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.
- ۱۱- لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ؛^{۵۲} کاری که با اخلاص و پرهیزگاری توأم باشد، هر قدر به ظاهر کم باشد، کم نیست، چگونه ممکن است عملی که مقبول درگاه خداست، کم باشد؟!
- ۱۲- إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ؛^{۵۳} اگر کسی از سمت راست تو، به تو دشنام داد، سپس به سمت چپ تو رفت و از تو عذر خواهی کرد، عذر خواهی اش را بپذیر.
- ۱۳- حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛^{۵۴} حق استاد تو این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسپاری.
- ۱۴- وَ أَمَّا حَقُّ أُمَّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ

۴۹- كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۸

۵۰- کافی، ج ۲، ص ۳۳۱

۵۱- كشف الغمه، ج ۲، ص ۷۷

۵۲- تحف العقول، صفحه ۲۰۱.

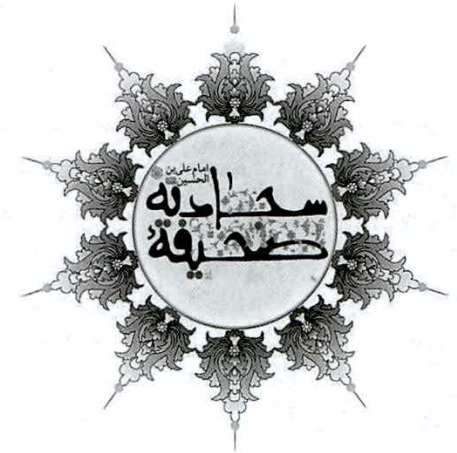
۵۳- تحف العقول، ص ۲۸۲

۵۴- کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۰.

أَخَذَ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَخَدًا؛^{۵۵} حق مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه دلش آن به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی‌دهد.

۵۵- الأمالی، صدوق، ص ۴۵۳.

فصل دهم
دعای پانزدهم صحیفه سجاده



شرح دعای پانزدهم

« وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ »

دعای پانزدهم از دعا‌های امام سجاد علیه السلام است هنگامی که بیمار می‌شد^۶ یا اندوه و گرفتاری به آن حضرت رو می‌آورد. در این دعا موضوعات اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و عرفانی همچون: ستایش خداوند در همه حال، سلامت بدنی، آثار بیماری، آداب بیماری، صبر بر مصائب، شکوه نکردن از مشکلات، آگاهی از برکات سلامتی، بخشش گناهان، ارتقای درجات و رضایت از خداوند و... مطرح شده است که به برخی از اینها در پرتویی از کلام امام سجاد علیه السلام می‌پردازیم:

* فراز اول:

« اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا لَمْ أزلُ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا أَحْدَثْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي؛ بار خدایا تو را سپاس بر تندرستی تن من که پیش از این همیشه در آن بسر می‌بردم، و تو را سپاس بر بیماری که اینک در بدنم پدید آورده‌ای! »

نکته مهمی که در ابتدای همین دعای شریف باید مورد توجه قرار داد این است که: امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد، هرگاه بیمار شدیم یا گرفتاری به سراغ ما آمد، باید دعا کنیم چون تتم امور عالم به اذن خداست و او اراده نموده است که ما در تمامی امور متوجه او باشیم تا از مسیر بندگی خارج نشویم. خداوند متعال در قسمتی از آیه ۱۵۴ سوره آل عمران می‌فرماید: « قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ »، ای پیامبر ما به آنها بگو

۵۶- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص: ۱۲۵

یقیناً اختیار همه امور به دست خداست»؛ به همین جهت امام سجاد علیه السلام، هم سلامتی را از ناحیه خدا می‌داند و او را حمد می‌کند و هم بیماری را، به همین جهت فرمود: «عَلَيَّ مَا أَحْدَثْتُ»، تو این بیماری را برای من ایجاد نمودی»؛ پس حال که همه امور از جمله همین بیماری و گرفتاری به اذن خداوند سبحان در من بنا به مصالحی ایجاد شده است، رفع آن را نیز باید از او بخواهیم و این همان توجه به خدای متعال و نگاه توحیدی است که باعث رشد بنده مؤمن به خدا و حرکت به سمت کمال انسانی اوست و این همان بیان نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام است که در خطبه ۲۲۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: «إِنْ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَأُوا إِلَيَّ الْإِسْتِجَارَةَ بِكَ عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ»، خداوند! اولیاء و دوستان تو اینگونه اند که اگر مصیبت‌های روزگار بر آنها فرود آید به تو پناه می‌آورند و روی به درگاه تو دارند زیرا که می‌دانند سررشته تمام کارها به دست توست و صدور احکام قضاء به فرمان تو می‌باشد. به همین جهت مولای بزرگوار ما امام سجاد علیه السلام از ابتدای دعا به همین نکته توجه می‌دهند و خدای سبحان را چه در حال سلامتی و چه در حال بیماری می‌خوانند تا رحمت خدای عزوجل رابه خود جلب نماید، چرا که ایشان در انتهای دعای ۱۱ می‌فرمایند: «إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ». تنها تویی که با هر کس تو را بخواند، مهر می‌ورزی، و به هر کس که تو را ندا دهد، جواب می‌گویی.

عظمت و اهمیت « الحمد لله » در روایات

در حمد و ستایش، به نیکی‌ها و خوبی‌های محدود توجه می‌شود؛ و حال آن که هر قدر شناخت انسان از کمالات،

نعمت‌ها، الطاف و خوبی‌های خداوند بیشتر و عمیق‌تر گردد، حمد و ستایش وی به پیشگاه او خالصانه‌تر و عمیق‌تر خواهد بود.

رسول خدا ﷺ درباره ارزش و عظمت حمد و ستایش برخاسته از معرفت سرشار فرمودند: وقتی بنده «الحمد لله» می‌گوید، خداوند او را از نعمت‌های دنیا و آخرت برخوردار می‌سازد.

مضمون برخی از روایات این است که آنچه خداوند در قبال گفتن «الحمد لله» به بنده خود می‌بخشد، بیشتر از بخشش زمین و آسمان به بنده است. با توجه به عظمت و گستردگی زمین و آسمان که همه مطالعات و اکتشافاتی که تاکنون انجام گرفته بخش اندکی از آن را آشکار کرده، درک مضمون چنین روایاتی برای ما دشوار است؛ اما اگر عظمت ارتباط با خداوند را بشناسیم، درک این معانی برای ما آسان می‌شود. چه این که هستی و جهان با این عظمت و کهکشان‌هایی که فاصله بین آنها میلیاردها سال نوری است، همه برای این هدف پدید آمده‌اند که موجود با شعوری چون انسان، عظمت خدا را درک کند. و به قرب الهی برسد.

اگر گفته شده که زمین و آسمان را برای انسان آفریدیم؛ یعنی انسان با سیر و سیاحت و مطالعه موجودات، عظمت و نظر دقیق و حساب شده و ظرافت‌های نهفته در آنها، به معرفت پروردگار خویش نایل می‌شود و با توجه بیشتری خداوند را می‌پرستد.

حکمت آفرینش جهانی با این عظمت (به عنوان نمونه؛ مشاهده عظمت، ظرافت، زیبایی و پیچیدگی آنچه در اعماق دریاها نهفته است که گاهی زوایایی از آن به تصویر کشانده می‌شود) که انسان را متحیر و مبهور می‌سازد، این است که انسان، این گل سرسبد هستی، در مقام قدردانی و

شکرگزاری از خالق خویش برآید و سر بر آستان او فرود آورد و پیشانی خضوع در پیشگاهش بساید؛ و الا انسان کجا و درک نعمت‌های بی‌شمار خداوند کجا: «و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها...؛ و اگر [بخواهید] نعمت خدا را بشمرید، نمی‌توانید آن را بشمارید».^{۵۷}

امام صادق علیه السلام فرمود: قاطر پدرم گم شد؛ آنگاه پدرم، امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر خداوند آن را به من برگرداند، او را با عالی‌ترین ستایش‌ها و حمدها ستایش خواهم کرد تا خشنود شود. چیزی نگذشت که قاطر را با زین و لگامش نزد امام آوردند. وقتی آن حضرت بر روی آن حیوان نشست، سرش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: الحمد لله و بیش از آن چیزی نفرمود؛ سپس فرمود: «مَا تَرَكْتُ وَلَا بَقِيْتُ شَيْئًا جَعَلْتُ كُلَّ أَنْوَاعِ الْمُحَامِدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَمَا مِنْ حَمْدٍ إِلَّا هُوَ دَاخِلٌ فِيهَا قَلْتُ»؛ چیزی [از حمد خدا] را فراموش نکردم و فرو نگذاشتم. همه حمد و ستایش‌ها را به خداوند عز و جل اختصاص دادم؛ زیرا هیچ حمد و ستایشی نیست مگر آن که در حمدی که من بر زبان آوردم داخل می‌گردد». یعنی حمد و ستایش همه فضایل و خوبی‌ها، ستایش خداوندی است که خالق فضایل و خوبی‌هاست.

عظمت نعمت سلامتی

سلامتی بدنی، نعمت خاصی است که خداوند سبحان به افراد سالم عطا فرموده است. انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای سطح بالایی از دقت است و ساختار بدن او معلول عظیم‌ترین دستگاه صنع آفرینش است؛ به گونه‌ای که مصنوعی دقیق‌تر و پیچیده‌تر از بدن انسان در عالم

عناصر وجود ندارد و هر چه از عمر علم پزشکی پیشرفته می‌گذرد و بر میزان دقت‌ها و کاوش‌ها افزوده می‌شود، پیچیدگی‌های حیرت‌آور ارگانیسم بدن انسان بیش از پیش کشف می‌شود.

برای نمونه، اکنون که هزاران سال از عمر پزشکی می‌گذرد، هنوز اشک چشم به درستی شناخته نشده است و متخصصان ناتوانی خود را در ساختن اشک اعلام داشته‌اند، البته مایعی شبیه اشک تولید کرده‌اند که فرآورده داروی بسیار گرانی است. نیز با وجود پیشرفت شتابان دانش داروسازی، هنوز برای پیامدهای زیان‌بار مصرف داروهای شیمیایی در بدن انسان راه حلی پیدا نشده است و این داروها تنها سلامتی غیرطبیعی و ناپایدار ایجاد می‌کنند و از این رو بدن انسان همواره در آستانه‌ی بازگشت بیماری قرار دارد.

نمونه‌ی دیگر مسئله‌ی جراحی است که درمان واقعی به شمار نمی‌آید. «ابن سینا» در قانون می‌گوید: «جراحی و قطع عضو هرگز درمان بیماری به شمار نمی‌آید، بلکه عجز از معالجه است.»

بنابراین، باید در برابر نعمت سلامتی حق سبحانه را سپاس گوئیم که چگونه روابط میان بافت‌ها و اندام‌ها و دستگاه‌های متنوع و پرشمار و پیچیده‌ی بدن را به صورت بسیار دقیق تنظیم فرموده است.

نکته قابل توجه، اهمیت حمد خدای سبحان و سپس چگونگی آن است که این دو مهم را به لسان مبارک امام سجاد علیه السلام بیان می‌کنیم:

ایشان در قسمتی از دعای اول کتاب شریف صحیفه سجاده‌ی این گونه با خداوند صحبت می‌کنند: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَابِعَةَ

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمَةِ الْمُتَظَاهِرَةِ لَتَصْرَفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَيْهِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»

سپاس خدای را که اگر شناخت را از انسان دریغ می‌داشت و فطرت حق‌شناسی را در نهاد آدمیان قرار نمی‌داد و پیامبران را برای تذکر و هدایت و تعلیم آنان نمی‌فرستادند، آنها علی‌رغم بهره‌وری از گستره نعمتها و روزیهای خداوند، به شکر سپاس او روی نمی‌آوردند و اگر چنین بودند از حدود و دایره انسانیت بیرون رفته و چهارپایانی بیش نبودند. پس چنان می‌شدند که خداوند در کتاب استوارش بیان فرمود: «آنان همانند چهارپایانند بلکه گمراه‌تر از آنانند.»^{۵۸}

اما نکته دوم این است که: امام سجاد علیه السلام حمد و سپاس را فقط زبانی نمی‌دانند بلکه توجه به این مهم دارند که چنانچه کسی گناه کند در واقع حمد و سپاس خدا را بجا نیاورده است و این مطلب را در چند بند بعد از عبارت گذشته در دعای اول توجه می‌دهند: «ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيُبَيِّنَ لِي شُكْرَنَا» (بند ۲۱ دعای اول)؛ آنگاه به ما فرمان داد تا فرمانبرداریمان را بسنجد، و از انجام محرمات نهی فرمود تا شکر ما را بیازماید. این عبارت نورانی صراحت دارد در اینکه اگر کسی نهی خدا را انجام دهد (یعنی گناه کند)، شکر او را بجا نیاورده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ المَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^{۵۹} شکر نعمت، پرهیز از محرمات است، و شکر وقتی کامل می‌شود

که شخص بگوید: «الحمد لله رب العالمین». پس هربار که حمد می‌کنیم یعنی هم به نعمت دهنده توجه داریم و هم باید توجه داشته باشیم که حمد کامل اجتناب از گناه است.

مطلوبیت تحمل بیماری با نشاط

نکته‌ی دوم، درس مقاومت است. توصیه‌ی امام علیه السلام این است که در صورت پیدایش کسالت در بدن، نه تنها نباید خود را ببازیم و بی‌قراری کنیم، که شایسته است آن را با کمال نشاط تحمل کنیم، زیرا چه بسا ترس و خودباختگی موجب تشدید بیماری یا سبب طولانی شدن آن گردد و در طرف مقابل، دل‌امیدوار و روح قوی موجب اندک شدن یا از بین رفتن بیماری شود.

همسانی سلامت و بیماری در لزوم شکر

همه‌ی اعضای بدن آدمی - که هر یک با مکانیزم دقیق و شگرف خود مشغول به کار است - ابداع و ابتکاری از خداوند متعال است که تحت تدبیر الهی به کار ویژه خود مشغول است و غیر از قادر مطلق هیچ‌کس توان تصور آن را ندارد. با این حال، باید توجه داشته باشیم که خداوند علیم و حکیم دستگاه‌های گوارشی، تنفس، دفع، گردش خون و... را مطابق با نظام تغییرپذیر این جهان و بالطبع آسیب‌پذیر قرار داده است و هرگاه اراده می‌کرد، می‌توانست ارتباط داخلی و خارجی آن را چنان تنظیم کند که تا ابد برقرار باشد، ولی این کار را در تمامی این جهان و در هیچ آفریده‌ای مقرر نفرموده است و در این ماجرا، حکمتی عظیم نهفته است؛ از این رو، حضرت سجاد علیه السلام درست به همان میزان که برای سلامتی، خداوند متعال را سپاس می‌گوید، به همان مقدار بر پیش آمدن بیماری و ناگواری‌ها

از خدا سپاس‌گزاری می‌کند و این درسی است که بدانیم بیماری نیز خود آکنده از مصالح خاصی است که خداوند متعال برای انسان مقرر داشته است و امام علیه السلام این مصالح را آن چنان می‌بیند که می‌فرماید: خدایا! در حیرتم که بر کدام یک از این دو نعمت بیشتر سپاس گزارم: بر پیش آمدن سلامتی و امن و عافیت و یا پیدایش بیماری و پدید آمدن نارسایی و اختلال بدنی؟

با تأمل در سخنان حضرت می‌توان از برخی از رموز خلقت آگاه شد، زیرا هم‌سان دیدن سلامتی و بیماری در لزوم شکر، نشان از احاطه علمی ایشان به ازل و ابد عالم است، چرا که او می‌داند رنج دنیا ذخیره‌ای برای ابدیت است؛ بر خلاف کسی که با کوفته‌فکری و سطحی‌نگری مرگ را آخر زندگی می‌پندارد و هرگونه رنج و دردی را برای انسان ناروا می‌داند و کوری را ظلم، و بینایی را محض عدل می‌خواند، او کسی است که به اول و آخر و ازل و ابد آگاه است، می‌داند هیچ رنج و مصیبتی نیست، مگر آن‌که به عدل و رحمت حضرت حق به نحو اکمل جبران خواهد شد.

جایگاه بهداشت در اسلام

الف / آیات

قرآن کریم انسان‌های طیب و پاکیزه را در ردیف توبه‌کنندگان معرفی می‌کند. آنجا که فرموده است «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^{۶۰} یعنی خداوند انسانهای پاکیزه و با طهارت را دوست دارد. در آیه دیگر همسران مؤمنین را در بهشت جفتهای پاکیزه می‌داند^{۶۱} و در آیه ۱۵۷

سوره اعراف می فرماید: «وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبُتِ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثُ»؛ پاکیزه‌ها را برای آنها حلال می‌شمرد، ناپاکها را تحریم می‌کند، و نیز با بکارگیری کلمه طیب بیش از ۳۵ بار در قالب مشتقات خود در ستایش پاکان و کلمه خبیث به مراتب کمتر در مزمت ناپاکان، همه اینها بیانگر اهتمام فوق‌العاده قرآن کریم است به طهارت و پاکیزگی.

ب/ روایات

موضوع طهارت و پاکیزگی آنقدر مهم است که در اکثر کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه، باب طهارت در آغاز کتاب آمده‌است و این بیانگر ویژگی اوست که بدون رعایت این مسئله، بسیاری از اعمال انسان ناتمام خواهد بود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اهمیت این موضوع را با عبارت‌های متفاوت بیان فرموده است. در جایی فرموده است: «يَا أُنَسُّ، أَكْثَرَ مِنَ الطُّهُورِ يَزِدَ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ»^{۶۱} یعنی، خود را زیاد شستشو کن تا خداوند عمرت را زیاد کند و در جایی دیگر از حضرت نقل شده است «إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظِفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا النَّظِيفُ»^{۶۲} یعنی اسلام پاکیزه است شما هم پاکیزه باشید و همانا جز پاکیزگان وارد بهشت نخواهند شد، و در بیان دیگر فرموده است «هر چه می‌توانید پاکیزه باشید زیرا که خداوند، اسلام را بر پاکیزگی نهاده است و هرگز جز پاکان به بهشت راه نخواهند یافت»^{۶۳} یعنی طهارت و پاکیزگی میدان وسیعی دارد و هر چه انسان در این مورد دقت و تلاش نماید باز مرحله بالاتری دارد و بالأخره اینکه

۶۲- کتاب مکارم الاخلاق

۶۳- سیری دیگر در نهج الفصاحه، مؤلف: مرتضی تنکابنی، ص ۱۱۲

۶۴- مدرک قبلی، ص ۱۱۳

حضرت فرموده است «خدا طیب است و پاکیزگی را دوست دارد، بزرگوار است و بزرگواری را دوست دارد، بخشنده است، بخشندگی را دوست دارد، پس جلو خانه‌های خود را پاکیزه سازید و خود را شبیه یهودان نکنید». همچنین فرموده است «خداوند متعال کثافت و زولیدگی را دشمن دارد از او متنفر است»^{۶۵}.

ابعاد نظافت و بهداشت

الف/ طهارت ظاهر

تمامی اصول و اسلوبی که در راستای سلامت بدن انسان و جسم او به کار می‌رود بهداشت ظاهر می‌گویند. و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این مورد نیز بهترین الگو و اسوه انسانها است. اینک به بخشی از مصادیق آن که در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است به اختصار اشاره می‌کنیم.

«پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و بهداشت سر و صورت: این مورد نیز از موارد تأکید شده اسلام است و از باب بهداشت و درمان به آن تصریح دارند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیانی می‌فرماید: «محاسن خود را شانه بزنید و ناخن‌های خود را کوتاه کنید زیرا که شیطان میان گوشت و ناخن جاریست» در کتاب چهارده معصوم در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «حضرت تمیزترین اعراب بود. در مسواک زدن وسواس عجیبی داشت، همیشه سر و رویش پاکیزه بود، موهایش را شانه می‌زد و همواره بوی خوش از او به مشام می‌رسید»^{۶۶} امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله موهای خود را شانه می‌زد و اکثر اوقات آن را با آب صاف می‌کرد و می‌فرمود

۶۵- همان مدرک، ص ۳۶۰

۶۶- سیری دیگر در نهج الفصاحه، ص ۷۲

آب برای خوشبو کردن مؤمن کافیست»^{۶۷} و در روایت دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است که «ازاله موهای زیر بغل باعث از بین رفتن بوی بد می‌شود و یا عطر زدن و با تیغ موی سر را تراشیدن و ازاله موهای بدن از اخلاق انبیاء است» و نقل شده است که حضرت هزینه‌ای که جهت معطر کردن خود صرف می‌کرد بیشتر بود از هزینه‌ای که برای غذا پرداخت می‌نمود. و باز مرحوم علامه می‌گوید: حضرت شانه می‌زد و سر خود را با انواع شانه‌ها مرتب می‌کرد و قبل از خارج شدن از منزل جهت نماز، ناخن‌های خود را می‌گرفت و سیبش را کوتاه می‌کرد و مضمضه کردن آب در دهان و استنشاق و ازاله موهای زائد بدن را از سنت انبیاء می‌دانست.

ب/ طهارت باطن

عمده و اساس پرهیز از هر نوع آلودگی همان طهارت باطن است و شاید دلیل اصلی پاکیزگی ظاهری نیز همین باشد. چرا که بدون دست یافتن به طهارت ظاهری رسیدن به طهارت معنوی غیر ممکن می‌باشد و انبیاء الهی در اوج این کمال بودند و مأموریت اصلی آنها نیز هدایت بشر به همین سمت و سو است. قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «جز این نیست که خدا می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و پاک و پاکیزه‌تان گرداند». در سخن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله طهارت نخستین چیزی است که مورد حسابرسی قرار می‌گیرد، و یا هیچ نمازی بدون طهارت قبول نخواهد شد و یا طهارت بخشی از ایمان است»^{۶۸} و اصولاً ضرورت ایمان و تقوی نیز برای پرهیز از آلودگی جان آدمی معرفی شده است، آنجا

۶۷- سنن النبی مؤلف علامه طباطبائی، ص ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۶۰

۶۸- منتخب المیزان الحکمه جلد ۲، ص ۱۰۸ و ص ۶۲۵

که امام علی علیه السلام می فرماید: «خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک واجب فرموده است و باز فرموده: «که تقوای الهی داری بیماری دل‌های شماست و پاک کننده آلودگی جانهایتان». چه این که حضرت در مقام دیگر فرموده است «حال که از پاکیزه بودن چاره ای ندارید پس خود را از پلیدی عیوب و گناهان پاک کنید.» قرآن و عترت راه وصول به طهارت روح و جان را مشخص کرده‌اند، که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

ج / اجتناب از بیکاری و پرخواهی

یکی دیگر از عواملی که در سلامت جسم و جان مؤثر است کار کردن و پرهیز از پرخواهی است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: «روز قیامت سخت‌ترین حسابرسی را کسی دارد که کارهایش را دیگران انجام دهند و خودش بیکار بگردد. گو اینکه کار کردن موجب رنج و زحمت است اما بیکاری موجب فساد و تباهی» و در بیان دیگرش فرموده است: «خداوند از شخص تندرست و بیکار که نه در کار دنیاست و نه در کار آخرت نفرت دارد» و در همین راستا از حضرت نقل شده است که می‌فرمایند: «از پرخواهی بپرهیزید که صاحب خود را در قیامت تهیدست می‌گذارد». امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «چه بسیار خواب‌های شبانه که تصمیمات روز را بر هم زده است» امام باقر علیه السلام می‌فرماید «که موسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: کدام بنده‌ات نزد تو منفورتر است؟ فرمود: مردار شب و بیکاره روز»^{۶۹} و در بیان حضرت صادق علیه السلام است که «پرخواهی باعث از دست رفتن دین و دنیاست» و بالأخره اینکه امام هفتم علیه السلام در چند بیان جداگانه فرمودند: «چشمانت را به پرخواهی عادت نده زیرا

۶۹- همان مدرک، ص ۱۰۲۵

که چشم‌ها، ناسپاس‌ترین عضو بدن هستند و یا خداوند از بنده پرخواه بیکار نفرت دارد».

* فراز دوم:

« فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْخَالِئِينَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؛ پس نمی‌دانم، ای خدای من، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سیاستگزاری تو شایسته‌تر و کدامیک از این دو حالت برای ستایش تو سزاوارتر است. »

انسان عارف همواره تمام کارهای خداوند را با دیده زیبا می‌نگرد و حالات سختی و راحتی برای او یکسان است و در همه حال حمد و سپاس و شکر الهی بجا می‌آورد.

اینکه امام سجاده علیه السلام مثل کسی که بر سر دو راهی مانده باشد، می‌فرماید: «نمی‌دانم کدامیک از این دو حال سزاوار شکر بیشتر توست؟» یعنی چون هر دو را از ناحیه خداوند می‌داند و چون خداوند خیر محض است، پس قرار است به برکت این بیماری خیرات زیادی به انسان مؤمن بیمار برسد. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: « فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»، چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن نیکی فراوان قرار داده است.» پس چون سلامتی باعث رسیدن به خیر بود و اینک بیماری نیز به خواست خدا برای مؤمن تماماً خیر است. امام علیه السلام اینگونه صحبت می‌فرمایند و قائل به این هستند که در هر دو حال باید خداوند را زیاد شکر و حمد نمود.

صبر بر سختی‌ها

از منظر امام سجاده علیه السلام انسان مومن و عاقل نه تنها در

مقابل مشکلات هرگز عاجز و درمانده نمی‌شود، بلکه بلا و سختی و بیماری، برایش نعمت، زینت و کرامت است و حتی صبر بر آن و ثبات قدم داشتن بر ابتلاء، موجب تقویت ایمان می‌گردد. کسی که شیرینی بلا را بچشد، به الطاف خداوندی می‌رسد، و نجات و آسایش دنیوی و یا اخروی نصیبش می‌شود. در تحت آتش بلاء و محنت، انوار باطنی ظاهر می‌گردد؛ و مونس با بلا، بعد از زمانی از امتحان الهی سر بلند بیرون می‌آید و به بصیرت و علم و مقامات معنوی می‌رسد. او طبق آیات الهی به سختی‌ها هم از منظر زیبایی می‌نگرد که خداوند فرمود: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ^{۷۰}؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! * آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم!» این‌ها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هدایت‌یافتگان هستند!

دنیا کانون مشکلات

شخصی که از سختی و بیماری و فقر، دائما شکایت می‌کند، بیچارگی و اضطراب دائمی، بیش از خود سختی، او را آزار می‌دهد. سختی‌های زندگی آن قدر بزرگ نیستند که ما تصور می‌کنیم. اگر انسان دنیا را بسیار مهم شمرده و

۷۰- بقره: ۱۵۵-۱۵۷

آن را محل آسایش و راحتی بداند، سختی‌ها و فقدان‌ها و محرومیت‌های آن بسیار بزرگ جلوه می‌کند و تحمل مصیبت‌های آن بسیار دشوار می‌شود.

امام علی علیه السلام فرمود: **دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا ، أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَ الْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ وَ إِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا وَ تُفْنِيهِمْ بِحِمَامِهِ**^{۷۱} دنیا خانه‌ای است پیچیده به بلا، و معروف به خیانت. احوالش پایدار نمی‌ماند، و اهلس جان سالم به در نبرند. حالاتی است، گوناگون، و نوبت‌هایی است متغیر. زندگی در آن ناپسند است، و امنیت در آن نایاب. مردمش آماج تیر بلایند، که تیرهایش به سوی آنان نشانه می‌رود، و با مرگ نابودشان می‌کند.

مقایسه با سختی‌های بزرگ

یکی از عوامل موفقیت در زندگی داشتن هنر کوچک‌سازی سختی‌هاست. نخست باید سختی‌ها را کوچک شمرد و سپس آنها را تحمل کرد. این روش، راه تحمل‌پذیری بیشتر سختی‌ها را هموار می‌سازد. اصل کوچک‌سازی نقش مهمی در کاهش تنش‌ها دارد.

کسی که به زندگی علاقه‌مند باشد در پی راه‌هایی برای بهبود زندگی است، نه سخت‌تر کردن آن. پس در پی یافتن روش‌هایی برای کاهش و کوچک‌سازی مصیبت‌ها نماییم. که یکی از آنها یادآوری سختی‌های بزرگتر است. علی علیه السلام در سخنی حکیمانه فرمود: در مصیبت‌ها یا چون آزادگان باید شکیبا بود، و یا چون ابلهان خود را به فراموشی زد.^{۷۲}

۷۱- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (صحیحی صالح) - خطبه ۲۲۶
۷۲- حکمت ۴۱۳ نهج البلاغه

انسان شکیبا

عمران بن حصین از مسلمانان صابر و شکیبائیست که از آزمون الهی سرافراز بیرون آمد. او دچار بیماری استسقاء (مرضی است که مریض شکمش ورم میکند و آب بسیار می‌خورد و عطش فوق‌العاده احساس می‌کند) بود، هرچه مداوا کرد خوب نشد. سی سال بستری بود و نمی‌توانست بلند شود یا بنشیند و یا بایستد. سختی‌های فراوانی را متحمل شد ولی هرگز در اعتقاد توحیدی‌اش تزلزلی پدید نیامد. او هرگز در برابر سختی‌های زندگی زانو نزد و تسلیم نشد و با اراده‌ای فولادین مقاومت کرد و به وعده‌های الهی دست یافت.

روزی برادرش (علاء) برای عیادت او آمد، وقتی حال دلخراش او را دید، گریه کرد. عمران به برادر گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: به خاطر اینکه می‌بینم سال‌ها در این وضع رقت بار بسر می‌بری! عمران گفت: گریه نکن و ناراحت مباش، آنچه خدا بخواهد برای من محبوبتر از همه چیز است. دوست دارم تا زنده‌ام همانگونه باشم که خدا می‌خواهد. مطلبی به تو می‌گویم تا زنده هستم به کسی نگو و آن این است: من با فرشتگان محشورم و آنها به من سلام می‌کنند و من جواب سلام آنها را می‌دهم و انس گرمی با آنها دارم.^{۷۳}

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

یک ضرب‌المثل می‌گوید: ارزش سختی‌های روزگار را باید دانست، آنها آمده‌اند تا ما را نیرومندتر سازند. و دیگری گفته: بسیار یاد کردن از سختی‌های زندگی، بردگی می‌آورد. و این مثل: هیچ اهرمی همچون بردباری و امید نمی‌تواند مشکلات را از پیش پایت بر دارد.

۷۳- داستانها و پندها ۷/ ۱۴۸ - لئالی، الاخبار ج ۱ ص ۳۴۶

لذات معنوی سختی‌ها

عارف بی‌بدیل، علی آقا قاضی تبریزی با آن همه عظمت علمی و معنوی، در نجف شهر امیرالمومنین علیه السلام، در نهایت فقر و سختی به سر می‌برد، به طوری که توان پرداخت اجاره خانه را نداشت. روزی در نجف اشرف صاحبخانه اثاث ایشان را بیرون ریخته بود. علی آقا قاضی مجبور شد با خانواده‌اش به کوفه برود و در مسجد کوفه، یک بالا خانه‌ای بود که برای افراد غریب بود. علی آقا قاضی در آنجا سکونت گزیدند. علامه طباطبائی می‌فرمود: رفتم مسجد کوفه، دیدم مرحوم قاضی و همه خانواده‌اش تب کرده‌اند و مریض هستند. هنگام نماز شد، علی آقا قاضی طبق معمول در اول وقت به نماز ایستاد و بعد از نماز عشاء آنچنان با توجه کامل آیه شریفه «آمن الرسول»^{۷۴} را تلاوت می‌نمود مثل اینکه هیچ مشکلی پیش نیامده است. با آرامش وصف‌ناپذیر و شگفت‌انگیز به ذکر و دعا مشغول بود.^{۷۵}

در بلا هم میکشم لذات او
مات اویم مات اویم مات او

* فراز سوم:

« أَوْقَتُ الصَّحَّةَ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ ؛ أَيَا هِنَاغٍ تَنْدَرَسْتِي كَيْفَ فِي رَوْحِي هَيَا يَاقِيزَاتِ رَا بَمَنْ گَوَارَا سَاخْتَه وَ بَرَا بَرَا دَرخَوَاسْتِ خَوَشَوْنُودِي وَ اِحْسَانَتِ نَشَاطِ بَخْشِيدَه وَ بَا اَنْ بَر طَاعَتِ خَوِيشِ تَوْفِيقَم دَاده وَ تَوَانِیْم كَرده بودی؟ بَرَا بَرَا شُكْر گَزَارِیْتِ

۷۴- آیه ۲۸۵ سوره بقره

۷۵- اسوه عارفان»، صادق حسن زاده و محمود طیار مراغی، چاپ نهم.

شایسته است؟» و باید توجه داشت که امام سجاد علیه السلام در این فراز نورانی وظیفه انسان مؤمن را مخصوصاً به هنگام برخورداری از نعمت سلامتی که خداوند به او مرحمت نموده است، بیان می‌فرماید:

- ۱- از طیبات رزق یعنی روزی پاکیزه و حلال استفاده کند و نه از غیر حلال که خبیث است.
- ۲- وقتی به برکت استفاده از طیبات رزق نشاط پیدا کرد، برای بدست آوردن روزی برای خود و خانواده خود سعی و تلاش کند. (لَا تَبْتَغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ)
- ۳- و هنگامی که از طیبات رزق قوت یافت، آن قوت و سلامتی را در راه اطاعت فرمان خدای سبحان صرف کند و نه خدایی ناکرده گناه نموده و در واقع نمک را خورده و نمکدان را بشکند. (وَ قُوَّتِي مَعَهَا عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ)

اسلام و نعمت سلامتی

از منظر اسلام تندرستی و سلامتی انسان‌ها امری مطلوب است و هیچ کس نمی‌تواند بدون دلیل منطقی سلامتی خود را به خطر بیندازد. هرچیزی که سلامتی انسان را به خطر اندازد از نظر شرعی حرام است. قرآن می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ ای اهل ایمان! از انواع میوه‌ها و خوردنی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را (در مقابل نعمت سلامتی) سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرمود: طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ

كَفَافًا وَ قُوَاهُ سَدَادًا^{۷۶}؛ خوشبایه حال کسی که اسلام را پذیرفته و به قدر معاش خود، درآمد دارد و قوای بدنش نیرومند و سلامت است.

امام علی علیه السلام هم در دعای کمیل از خداوند متعال سلامتی و قدرت بدنی می‌خواهد تا در خدمت اهداف الهی باشد و می‌فرماید: قُوَّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ أَشَدُّ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي^{۷۷}؛ پروردگارا! اعضاء و جوارح مرا در راه خدمت به خودت قوی و نیرومند گردان! و دلم را ثابت و استوار بدار! امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی عاجزانه تقاضا می‌کند: اللَّهُمَّ أَعْظِنِي ... الصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ؛ خداوندا سلامتی در جسم و توانایی بدنی به من ارزانی فرما! (که در طاعت تو کوشش کنم)

قوی‌ترین فرد

البتّه معیار قدرت و سلامتی واقعی از منظر فرهنگ اسلامی برتری معنوی و سلامت اخلاقی و روحی است به این جهت حضرت علی علیه السلام فرمود: أَقْوَى النَّاسِ، أَكْبَرُهُمْ سُلْطَانًا عَلَي نَفْسِهِ؛ در بین مردم، آن کس از همه سالم‌تر و قوی‌تر است که تسلطش بر هوای نفس خویش، بیشتر باشد.

*فراز چهارم:

« أَمْ وَقَّتْ الْعَلَّةَ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَ النَّعْمَ الَّتِي أَتَحَنَّنْتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا

۷۶- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر- ایران؛ قم، چاپ: اول، بی‌تا، ص ۴
۷۷- طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتجهّد - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق. ج ۲؛ ص ۸۴۹ و ص ۵۹۵

لِمَحْوِ الْحَوِيَّةِ بِقَدِيمِ النَّعْمَةِ؛ یا اکنون که بیمارم و مرا به این بیماری آزموده‌ای و این دردها را چونان نعمتی بر من تحفه داده‌ای، تا بار گناهانم را که بر پشتم سنگینی می‌کند سبک گردانی و از گناهانی که در آن غرقه گشته‌ام پاکیزه‌سازی و مرا به توبه هشدار دهی و یاد کرد نعمت قدیم را سبب زدودن گناهان کنی؟»

آثار تربیتی و معنوی بیماری

از منظر آیات وحی انسان از اسرار غیب آگاهی ندارد به همین جهت چون حکمت خیلی از حوادث را نمی‌داند و خیر و شرش را تشخیص نمی‌دهد برخی چیزها را که به مصلحتش نیست به شدت می‌طلبد و بر عکس چیزهایی را هم که به صلاحش هست گاهی از خود دور می‌کند و دوست ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{۷۸}؛ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. سلامتی و بیماری از همین نوع است که معمولاً انسان دوست ندارد هرگز مریض شود ولی از منظر امام سجاد علیه السلام بیماری برای خود فوایدی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تحفه‌ای از سوی خداوند

از دیدگاه امام زین‌العابدین علیه السلام بیماری‌ها و سایر مشکلات زندگی برای سبک شدن بار گناهان انسان تاثیر به سزایی دارد. اگر فردی با این دیدگاه به سختی‌های زندگی نظر

کند علاوه بر اینکه نگرانی‌هایش تخفیف می‌یابد برای آینده زندگی نیز امیدوار خواهد بود چرا که پرونده سیاه گذشته که هر روز هم قطورتر می‌شود آینده‌ای تاریک برای انسان ترسیم می‌کند اما وقتی با این مزده در تنگنای سختی‌ها و بیماری‌ها مواجه می‌شود سبکبار، امیدوار و با انگیزه‌ای مضاعف برای آینده‌اش گام بر می‌دارد به این جهت امام سجاد علیه السلام در این فراز می‌فرماید: **تَخْفِيفًا لِّمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ**، خدایا این دردها را به من به عنوان ارمغان و تحفه‌ای عنایت کرده‌ای تا از بار سنگین گناهان سبکبارم کنی!

خداوند متعال هم می‌فرماید: **وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ**^{۷۹} و هرگونه مصیبتی به شما برسد به سبب عملکرد خود شماست، و خدا از بسیاری درمی‌گذرد.

۲- نجات از آلودگی‌های اخلاقی

آلودگی‌های اخلاقی نوعاً انسان را افسرده و روحش را کدر می‌کند و هر روز که بیشتر در این منجلاب فرو می‌رود از خود ناامید شده و از زیبایی‌های زندگی فاصله می‌گیرد. درد و رنج‌های زندگی بهترین فرصت برای نجات از این آلودگی‌های اخلاقی می‌تواند باشد. حتی تلنگری برای غفلت زده‌هاست. امام سجاد علیه السلام بیماری و مشکلات را موجب خلاصی از زندان گناهان و تطهیر انسان از آلودگی‌ها قلمداد کرده و می‌فرماید: **« وَ تَطْهِيراً لِّمَا أَنْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ**، پروردگارا تو بیماری مرا وسیله قرار داده‌ای تا از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازی!»

۷۹- (شوری / ۳۰)

۳- بهانه‌ای برای توبه

بیماری بهانه و فرصت خوبی برای توبه و بازگشت به سوی خداست. در حقیقت بازگشت به سمت خدا توفیقی اجباری برای مریض محسوب می‌شود که گاهی ممکن است انسان از همین راه به مراتب عالی دست یابد. شخص بیمار و گرفتار احساس ضعف و عجز بیشتری می‌کند و در پی دست یافتن به قدرتی فوق‌العاده است که او را در چنین حالی یاری کند و این زمینه ارتباط وی را با خداوند برقرار کرده و او را به سوی خود می‌کشاند. امام سجاد علیه السلام در این دعا می‌فرماید: **وَ تَنْبِيْهَا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ**، خدایا مرا در حال بیماری به سوی توبه هشدار می‌دهی.

در چنین فرصتی و خلوتی است که انسان نگاهی به گذشته آلوده خود و ناسپاسی‌هایش دارد. به این جهت از نزدیکترین حالات انسان به خداوند حال بیماری اوست.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَا بَجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَدْوُ دُعَاءِ عَرِيضٍ**^{۸۰}؛ و هرگاه به انسان (غافل و بی‌خبر) نعمت دهیم، روی می‌گرداند و به حال تکبر از حق دور می‌شود ولی هرگاه گرفتاری و ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمر (برای بر طرف شدن آن) و همواره دست به دعا دارد!

۴- کفاره گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری را کفاره‌ای برای گناهان معرفی می‌کند و می‌فرماید: **مَنْ مَرَضَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مَّرَضًا سَخِينًا كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً**^{۸۱} هرکس هفت روز به شدت بیمار

۸۰- (فصلت / ۵۱)

۸۱- مستغفری، جعفر بن محمد، طب النبوی صلی الله علیه و آله - نجف، چاپ: اول، ۱۳۸۵

باشد، خداوند، گناه هفتاد سال او را می‌آمرزد.

حضرت زین العابدین علیه السلام هم در این رابطه فرمود: **مَا اخْتَلَجَ عِرْقٌ وَ لَا صُدْعٌ مُّؤْمِنٌ قَطُّ إِلَّا يَذْنِبُهُ وَ مَا يَغْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ**؛ هیچ مؤمنی دچار ضربان رگ و سردرد نمی‌شود؛ مگر به سبب گناهش، و آنچه خدا از او می‌بخشد بیش‌تر است. امام چهارم علیه السلام هرگاه بیماری را می‌دید که خوب شده می‌فرمود: سلامتی و پاکی از گناهان بر تو مبارک باد اعمالت را از نو آغاز کن!^{۸۲}

۵- یادآوری نعمت‌های گذشته

« وَ تَذَكِّيراً لِّمَخْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؛ خدایا! یاد کرد نعمت قدیم را سبب زدودن گناهان کنی؟ »

انسان‌ها معمولاً دو نعمت را بیشتر فراموش می‌کنند یکی نعمت سلامتی و دیگری نعمت امنیت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **«نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ»**^{۸۳} دو نعمت مجهول‌القدر هستند یکی نعمت امنیت و دیگری سلامتی است. انسان وقتی قدر نعمت سلامتی را احساس می‌کند که بیمار شود و بعد از بهبودی از آن، نعمت سلامتی را کاملاً احساس کند.

شخص بیمار اگر در حال بیماری نعمت‌های گذشته و سلامتی‌اش را یاد کند و به این جهت در عوض آه و ناله از ناملایمات، سپاس نعمت‌های پیشین را به یاد آورد خداوند متعال گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد و او را به مقامات عالی و معنوی می‌رساند.

ق. ص ۳۱

۸۲- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ق. ج ۲؛ ص ۵۴

۸۳- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - قدیم) - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش. ج ۲؛ ص ۴۷۲

۶- تهذیب نفس

بیماری از جمله عواملی است که در تهذیب نفس و دوری از رذائل اخلاقی به ویژه پالایش صفت زشت تکبر خیلی به انسان کمک می‌کند. انسانی که خود را در جایگاه بلندی احساس می‌کند و خودش را کسی می‌داند بیماری برای او نعمت خوبی است تا به خود آید. در حدیث آمده که چند چیز فرزند آدم را رام می‌کند که یکی مرض و بیماری است. امام حسین علیه السلام فرمود: «لَوْ لَا ثَلَاثَةٌ مَا وَصَعَ ابْنُ آدَمَ رَأْسَهُ لِسَيْءٍ: الْفَقْرُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ»^{۸۴} اگر سه چیز نبود انسان در مقابل هیچ چیز سر فرود نمی‌آورد:

۱- فقر و تنگدستی ۲- بیماری ۳- مرگ

قصه یک کشتی‌گیر

پهلوانی هنرهای بسیار از خود نشان داد و پهلوانان جهان را بر زمین افکند و شهرتی فراوان یافت. از بسیاری توانایی و قدرت به غرور افتاد و روی به طرف آسمان کرد و گفت: «بار خدایا! حالا جبرئیل را بفرست تا با او دست و پنجه نرم کنم! زیرا در زمین کسی نیست که حریف من باشد.» چندی نگذشت که حق تعالی او را به بیماری گرفتار کرد و ضعیف و ناتوان شد و در ویرانه ای افتاد. او آنقدر ضعیف شده بود که آن اندام ستبر و بازوهای قوی و درشت از زمین بلند نمی‌شد. بیماری ضعف چنان بر او غالب شد که نای حرکت نداشت. سرش را بر خستی گذاشت و قادر به دور کردن مگس از صورتش نبود. موشی سر انگشتان پایش را به دندان می‌گزید و او قدرت نداشت پایش را جمع

۸۴- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق. ص ۸۰

کند. صاحب دلی از کنار وی بگذشت و گفت: «اینک خدا یکی از لشکریانش را که از همه کوچکتر است بر تو مسلط فرمود تا تنبیه شوی و از غرور توبه کنی. اگر استغفار کنی خداوند رحمان و رحیم دست ترا می‌گیرد توبه ات را می‌پذیرد و نجاتت می‌دهد.» جوان مغرور در آن لحظه دلش شکست، قطرات اشک به گونه هایش سرازیر شد و خود را در معرض رحمت الهی قرار داد....

چرا که پروردگار متعال فرموده است: **أَنَا عِنْدَ الْمُتَكَبِّرَةِ قُلُوبُهُمْ**^{۸۵} من نزد دل شکسته‌گان هستم.

محبوب خدا شدن

فرد بیمار و ناتوان بارها از دیگران ناامید شده و فقط به خدا پناه می‌برد و روزی دهها مرتبه خدا را صدا می‌زند و با خود زمزمه می‌کند که:

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی
دل ز تنهائی به جان آمد خدایا همدمی

و خداوند همین ناله عاجزانه و ملتمسانه را به محضرش دوست دارد. پیشوای ششم علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بنده [مخلص در گرفتاری‌ها] دعا می‌کند و خداوند به دو فرشته فرمان می‌دهد که دعایش را به اجابت رساندم، اما حاجتش را به او ندهید؛ زیرا شنیدن آواز روحانی او را خوش می‌دارم، و بنده [غیر صالح] دعا می‌کند و خداوند متعال به فرشتگان می‌فرماید: در بر آوردن حاجتش عجله کنید که بانگ او را خوش نمی‌دارم.»^{۸۶}

۸۵- شهید نانی، زین الدین بن علی، منیة المرید - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. منیة المرید؛ ص ۱۲۳

۸۶- **إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكِينَ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَلَكِنْ أَحْسَبُهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى**

فرق صدای کلاغ و بلبل

مولوی برای توضیح معنای این حدیث مثالی می‌زند که: معمولاً مردم طوطی و بلبل را در قفس می‌کنند و رها نمی‌سازند؛ چون صدا و حرکات و رفتارشان را دوست می‌دارند؛ اما آیا تا به حال کسی شنیده است که زاغ و جغد و کلاغ را هم در قفس نگه دارند؟

طوطیان و بلبلان را از پسند
از خوش آوازی قفس در می‌کنند
زاغ را و جغد را اندر قفس
کی کنند این خود نیامد در قصص

بر این اساس، خداوند متعال اصرار و التماس بندگان صالح خود را دوست دارد و می‌خواهد آنان به واسطه نیازی که دارند بیشتر به حضورش بار یابند و دعا کنند.

مولوی در داستان دیگری می‌گوید: شخصی همواره دعا می‌کرد و با ذکر نام الله دهانش را شیرین می‌ساخت. شیطان به صورت فردی ناصح به او گفت: این همه دعا و ذکر می‌کنی و نام الله بر زبان جاری می‌سازی، آیا تا به حال پاسخ نیز شنیده‌ای؟ حتی یک جواب از بارگاه الهی به تو نرسیده است. چرا این قدر سماجت و پر رویی در برابر خداوند از خود نشان می‌دهی!

او نیز دلشکسته شد و راز و نیاز و نیایش خود را تعطیل کرد و دعای شبانه را به خواب تبدیل ساخت. در عالم خواب حضرت خضر علیه السلام را در یک بوستانی سبز دید. حضرت خضر علیه السلام به او گفت: فلانی! چرا از ذکر حق فرومانده و از گذشته خود پشیمان شده‌ای؟ او پاسخ داد: من چون پاسخ و لیبکی از سوی حضرت حق در نیافتم، بیم آن دارم که از رانده شده‌گان درگاه الهی باشم.

عَجَّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أُنْغِضُ صَوْتَهُ. «الکافی، ج ۲، ص ۴۸۹»

گفت لبیکم نمی آید جواب
 ز آن همی ترسم که باشم ردّ باب
 حضرت خضر علیه السلام از سوی حق تعالی به او پیام داد که: آن
 همه الله گفتن و سوز و درد، همان لبیک ماست. بالاترین
 لطف ما به تو همان جذب و کشش به سوی حق است که
 در درگاه ما بمانی.

گفت آن الله تو لبیک ماست
 و آن نیاز و سوز و دردت پیک ماست
 ترس و عشق تو، کمند لطف ماست
 زیر هر یا ربّ تو لبیک هاست

سپس حضرت خضر علیه السلام به او توضیح داد که خداوند
 به همه از این لطفها ندارد؛ فقط بندگان خاص خود را
 اینگونه می نوازد؛ چنان که به فرعون حتی یکبار هم سر
 درد مسلط نکرد تا مبادا به درگاه الهی بنالد؛ چون خداوند
 صدای نحس او را که ادعای خدایی می کرد، خوش نداشت.

داد مر فرعون را صد ملک و مال
 تا بکرد او دعوی عز و جلال
 در همه عمرش ندید او درد سر
 تا نالد سوی حق آن بدگهر
 داد او را جمله ملک این جهان
 حق ندادش درد و رنج و اندهان
 درد آمد بهتر از ملک جهان
 تا بخوانی مر خدا را در نهان

مصلحت الهی

گاهی مصلحت انسان در برخی از بیماریهاست که اگر
 آن بیماری را نداشته باشد ممکن است در طی مسیر کمال
 شخصیت ناقصی داشته باشد و یا انحرافی دین و دنیایش

پدید آید. بدین جهت رسول خداص فرمود: **إِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الصَّحَّةُ وَ لَوْ أَمْرُضْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ، وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْمَرَضُ وَ لَوْ أَصْحَحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ**^{۸۷}؛ خداوند متعال می فرماید: به درستی که در بین بندگانم، کسی هست که تنها سلامتی او را اصلاح می کند و اگر او را مریض گردانم، این مریضی او را فاسد می نماید و از بندگانم، کسی هست که تنها مریضی او را اصلاح می کند و اگر جسم او را سالم گردانم، این سلامتی او را فاسد می کند.

آزمایش

از شیوه های خدای متعال، برای نشان دادن جایگاه بندگان، آزمایش با بیماری و گرفتاری است تا میزان صبر و تسلیم آنان در مقابل فرامین الهی مشخص شود. زمان بیماری و سختی ها آزمونی برای میزان صبر و شکیبایی و ایمان فرد است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ اِمْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ**^{۸۸}؛ همانا بلاء برای ظالم تأدیب و برای مؤمن آزمایش، برای انبیاء درجه و برای اولیاء کرامت است.

چه زیبا بنده ای است ایوب!

بیماری حضرت ایوب علیه السلام از همین نوع آزمون است. خداوند حضرت ایوب علیه السلام را به انواع بلاها مبتلا و امتحان کرد تا مقام و منزلت آن بنده صالح الهی بیشتر آشکار شود، باغها و کشاورزی اش از بین رفت، خانه هایش ویران شد،

۸۷- طوسی، محمد بن حسن، أمالی - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق. ص ۱۶۶
 ۸۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۶۴؛ ص ۲۳۵

فرزندانش مردند، به بیماری سختی همراه با تهی دستی مبتلا گردید. تا اینکه حضرت ایوب علیه السلام در شکیبایی اسوه صبر و مقاومت گردید. به هیچ کس به غیر از خداوند درد دل نکرد. در نهایت با خدایش مناجات کرده و از گرفتاری هایش سخن به میان آورد که قرآن می فرماید:

وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^{۸۹}؛ و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربانترین مهربانانی! و خداوند هم به نحو شایسته ای او را پاسخ گفت. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ^{۹۰}؛ ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتی هایی را که داشت برطرف ساختیم و خاندانش را به او بازگرداندیم و همانندشان را بر آنها افزودیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت کنندگان باشد.

ناگاه ندایی شنید، آن ندا از جانب خداوند مهربان بود که: **ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ**^{۹۱} پای خود را به زمین بکوب، این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. ایوب با آن آب گوارا و صاف، بدن خود را شستشو داد، همه دردهایش برطرف گردید و پیکر رنج دیده او، آن چنان زیبا شد که هم چون گوهر مروارید می درخشید و نعمت های فراوان دیگری نیز در اطراف مشاهده کرد که از جانب خداوند به او رسیده بود.^{۹۲} خداوند در مقام تجلیل از تحمل ایوب علیه السلام در مقابل

۸۹- انبیا ۸۳

۹۰- انبیا ۸۴

۹۱- ص ۴۲

۹۲- برگرفته از تفسیر سور آبادی، ج ۳، ص: ۲۱۳۹. قصه های قرآن،

محمدی اشتهاردی، ص ۲۰۹

آن مشکلات سخت می‌فرماید: **إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَّعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ**^{۹۳}؛ ما او را شکیبایافتیم چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود.

او با صبر و استقامت بی‌نظیرش در برابر حوادث سخت و ابتلائات کمرشکن و مصائب نفس‌گیر؛ الگویی ستودنی برای تمام انسانها در طول تاریخ بشریت قرار گرفت. حضرت ایوب رضی الله عنه به عالمیان فهماند که تحمل همه درد و رنج‌ها و مصیبت‌ها در راه خدا آسان است، چرا که خدا بر همه چیز تواناست و همه اینها در پیشگاه او انجام می‌گیرد. با عنایت بخورم زهر که شاهد ساقی است با محبت بکشم درد که درمانم از اوست

تازیانه ادب و هشدار

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: **«الْمَرَضُ سَوْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدَّبُ بِهِ عِبَادُهُ»**^{۹۴} بیماری، تازیانه خداوند در زمین است که به وسیله آن، بندگان را تأدیب می‌کند.^{۹۵} امام صادق رضی الله عنه هرگاه بیمار می‌شدند، می‌فرمودند: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدَبًا لَا غَضَبًا**^{۹۶}؛ خدایا این بیماری را سبب تأدیب قرار بده؛ نه خشم و غضب.

خاطره ای عبرت انگیز

روزی به مغازه‌ای رفتم تا خرید کنم متوجه شدم که مغازه‌دار -که جوانی سی‌وپنج ساله بود- یک دست ندارد وقتی

۹۳- ص ۴۴

۹۴- فیض القدر شرح الجامع الصغیر، محمد المناوی، ج ۶، ص ۳۴۶
 ۹۵- کنز العمال، حسام الدین هندی، الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۰۶
 ۹۶- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - قدیم) - تبریز، چاپ: اول، ۱۳۸۱ق. ج ۲؛ ص ۲۰۵

تعجب مرا دید. ماجرایش را شرح داد که من تا یک سال پیش خیلی موقعیت خوبی داشتم و از نظر اجتماعی و اقتصادی در میان همسالان خود در اوج بودم اما خواب غفلت مرا گرفت و از خداوند متعال دور شدم. ولی خداوند مهربان خواست مرا بیدار کند و به سوی من توجه سازد که در اثر تصادف دلخراشی دستم قطع شد و تلاش پزشکان برای وصل مجدد آن با هزینه‌های هنگفت تأثیر نداشت و بالاخره از یک دست محروم شدم ثروت فراوانم از کفم رفت و در مدت بیماری که به بستر افتادم، همسرم هم از من خسته شد و رهایم کرد و تنه‌ایم گذاشت با اینکه من سال‌ها به بی‌فرزندگی با او ساخته بودم. اما الان کاملاً حس می‌کنم که آن تصادف لطف الهی بود و نوعی ترمز از حرکت شتابان به سوی دره سقوط به وادی شیطان! رحمت و لطف خدا را کاملاً در این حادثه حس می‌کنم. بیدار شدم و به راه حقیقت برگشتم. هزینه دادم اما خدای را شاکرم که مرا از هلاکت ابدی نجات داد. عده ای خیر و امی جور کردند و این مغازه را با یک دست برپا کرده‌ام و یک شخص محترمی، همسری مهربان برایم انتخاب کرد و فرزندی هم در راه دارم به لطف الهی بقیه زندگی‌ام هم به تدریج به وضعیت مطلوب برمی‌گردد.

همنشین انبیاء

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **مَنْ مَرَضَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَادِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ ع حَتَّى يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَأَلْتَرَقِ اللَّامِعِ**^{۹۷}؛ هرکس یک شبانه روز بیمار

۹۷- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق. ج ۴؛ ص ۱۶

شود و نزد عیادت‌کنندگانش شکوه نکند، خداوند، او را در روز قیامت، با خلیل خویش، ابراهیم خلیل الرحمان، برمی‌انگیزد، تا به سان برق درخشان، از صراط بگذرد.

هشدار برای آینده

حافظ ابی داود سجستانی در کتاب سنن خویش که به «سنن ابی داود» شهرت دارد، می‌نویسد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ ثُمَّ أَغْفَاهُ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ، وَ إِنَّ الْمُنَافِقَ إِذَا مَرَضَ ثُمَّ أَغْفَى كَانَ كَالْبَعِيرِ عَقَلَهُ أَهْلُهُ، ثُمَّ أُرْسِلُوهُ، فَلَمْ يَدْرِ لِمَ عَقَلُوهُ، وَ لَمْ يَدْرِ لِمَ أُرْسِلُوهُ**^{۹۸}؛ هر گاه مرضی به مؤمن برسد، سپس خداوند متعال، عافیت را به وی باز گرداند، این درد، کفاره گناهان گذشته او و هشدار برای آینده وی خواهد بود و هر گاه منافق بیمار شود و سپس سلامتی به او باز گردانده شود، مانند شتری است که صاحبانش او را بسته‌اند و سپس او را باز کرده‌اند؛ که نه درک می‌کند برای چه او را بستند و نه می‌فهمد که چرا او را رها کردند.

اجابت دعا

امام صادق رضی الله عنه فرمود: «هرگاه یکی از شما از برادر بیمارتان عیادت نمود، از او التماس دعا نماید؛ چرا که دعای شخص باایمانی که در حال بیماری است همانند دعای ملائکه پذیرفته می‌شود.»^{۹۹} از منظر فرهنگ و حیانی اهل بیت رضی الله عنهم ایام بیماری فرصت مناسبی برای تصفیه باطن، توبه از گناهان و رسیدن به

۹۸- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۵
 ۹۹- کافی، ج ۳، ص ۱۱۷

خواسته‌های مشروع، تفکر در زندگی گذشته و قدردانی از سلامتی و اندیشیدن به آفریدگار جهان و نعمت‌های فراوان اوست. رسول بزرگوار اسلام ﷺ این حقیقت را این‌گونه به سلمان فارسی توضیح داد: «ای سلمان! بیماری تو آثار مثبت و خوبی برایت دارد، تو در حال بیماری همواره به یاد خدا هستی، دعای تو در آن حال پذیرفته است و بیماری، تو را از گناهان پاک می‌کند.»^{۱۰۰}

تدبیر خداوند

از منظر باورهای شیعی این موضوع مسلم است که تمام حوادث ریز و درشت عالم با اراده خدای متعال به وقوع می‌پیوندد. در آیات متعددی از قرآن کریم به این حقیقت تصریح شده است. از جمله در سوره حدید خداوند متعال می‌فرماید: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^{۱۰۱}؛ هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خدا آسان است!

اعتقاد به قضا و قدر الهی و این که تدبیر برنامه‌های ما و هستی همه در دست خداست شکیبائی در مشکلاتی همچون بیماری را در زندگی آسان می‌کند. وقتی انسان بداند که هر چیزی که انسان بدان گرفتار شده بر پایه برنامه‌ای از پیش تعیین شده است، مقاومت کم‌تری از خود نشان می‌دهد و جزع و فزع نمی‌کند. به ویژه کسانی که می‌دانند که این از ناحیه خداوندی حکیم و فرزانه است. در

۱۰۰- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۵

۱۰۱- حدید ۲۲

آیه فوق خداوند از مردم می‌خواهد که به مصیبت‌های وارده به گونه‌ای بنگرند که از جانب خداست و قضا و قدر الهی است و شایسته است تا انسان در برابرش شکیبایی کند نه آن که افسوس و حسرت بخورد و به حزن و اندوه دچار شود. هم‌چنانکه در دعای ششم صحیفه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ. پروردگارا! به غیر آنچه فرمان تو بر آن رفته کاری نتوانیم، و جز آنچه تو بر ما بخشی خیری به ما نمی‌رسد.

آرزوی بیمارشدن!

از منظر فرهنگ اسلام بیماری آثار مثبت فراوانی برای انسان دارد. اما این بدان معنا نیست که انسان آرزوی بیماری کند بلکه بیماری به عنوان یک اهرم هشدار دهنده در زندگی انسان لازم است تا راه را گم نکند و بداند که زمام این عالم در اختیار کیست و جایگاه خودش را بشناسد که او در مقابل قدرت لایزال الهی ذره ای عاجز و بی‌مقدار است که با یک بیماری ساده قادر به ادامه حیات نیست. اگر انسان ظرفیت آن را نداشته باشد ممکن است سلامتی مطلق هم به صلاح او نباشد. سیدابن طاووس می‌نویسد: امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در دعای شب لیل‌الهریر به همین حقیقت پرداخته و می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي وَمِنْ صِحَّةٍ تُلْهِينِي»^{۱۰۲} خداوندا! به تو پناه می‌برم ... از درد و رنجی که مرا به خویش مشغول سازد و از صحت و سلامتی که مرا سرگرم کند.

* فراز پنجم:

« وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا

۱۰۲- ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق. ص ۱۰۱

لَا قَلْبَ فَكَرَ فِيهِ، وَلَا لِسَانَ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةً تَكَلَّمَتْهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ؛ در حالی که در بین آن بیماری کردارهای پاکیزه‌ای است که دو فرشته نویسنده اعمال بر این نوشته‌اند، کرداری که نه دلی در آن اندیشه نموده، و نه زبانی به آن گویا گشته، و نه اندامی (در انجامش) رنج کشیده، بلکه (نیکی‌های نوشته شده در این اوقات) فضل و احسان تو است بر من!

امتیاز ویژه دوران بیماری

از دیدگاه و حیوانی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام ایام بیماری امتیازهای ویژه‌ای برای بیمار مومن دارد که در غیر این ایام مشاهده نمی‌شود.

امام سجاد علیه السلام در این فراز به یکی از این امتیازات پرداخته و خداوند را بر این تفضل سپاس می‌گوید. رسول خدا ﷺ در سخنی امید آفرین این امتیاز دوران بیماری را این‌گونه توضیح می‌دهد: إِذَا مَرَضَ الْمُسْلِمُ كَتَبَ لَهُ كَأَحْسَنِ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ وَ تَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَتَسَاقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ^{۱۰۳}؛ یک مسلمان هرگاه بیمار شود تمام ثواب اعمال نیکش که در ایام سلامتی انجام داده به زیباترین صورت در نامه عملش ثبت می‌شود و گناهانش همانند برگ درخت می‌ریزد.

یک شب برابر شصت سال

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ أَشْتَكَى لَيْلَةً، فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا، وَ أَدَى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا، كَانَتْ كِعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ هر کس شبی بیمار باشد و این بیماری را به جان بپذیرد

۱۰۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۸؛ ص ۱۸۴

و سپاس آن را به درگاه خداوند بگذارد، آن شب، برایش همانند عبادت شصت سال است. از امام علیه السلام پرسیدند: پذیرفتن بیماری چیست؟ فرمود: **يَصْبِرُ عَلَيْهَا، وَ لَا يُخْبِرُ بِمَا كَانَ فِيهَا، فَإِذَا أَصْبَحَ حَمَدَ اللَّهُ عَلَى مَا كَانَ؛**^{۱۰۴} بر آن شکیبایی کند، دیگران را از آنچه در این شب بیماری بر او گذشته است، خبر ندهد، و چون شب را به صبح آورد، خداوند را بر آنچه بوده است، سپاس گوید.

امام سجاد علیه السلام هم به بیماری که شفا یافته بود، فرمود: **يَهْتَوِكُ الظُّهُورُ مِنَ الذُّنُوبِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ.**^{۱۰۵} پاک شدن از گناهان، بر تو مبارک باد؛ خداوند تو را یاد کرده است، پس او را یاد کن. و از تو در گذشته است، پس او را سپاس گوی.

باید توجه داشت که از مهمترین نکاتی که میتوان از این فراز صحیفه برداشت کرد این است که چنانچه بیماری انسان مؤمن به مرگ او ختم شود، پس در حالی از این دنیا کوچ می کند که توبه نموده و دو فرشته نویسنده اعمال پاک و پاکیزه برای او می نوشتند و این یعنی عاقبت به خیری، که نه تنها ثمره مهم، بلکه مهمترین ثمره آن است.

* فراز ششم:

« **اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّتَ بِي، وَ طَهِّرْ نِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَ امْحُ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ، وَ أَوْجِدْ نِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أَدِقْ نِي بَرْدَ السَّلَامَةِ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَ مَتَحْوَلِي**

۱۰۴- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۱۳
۱۰۵- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ ق

عَنْ صَرَعتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَ خَلَصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَ سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ؛ بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه برایم پسندیده ای (بیماری یا اندوه و گرفتاری) را محبوب من گردان، و تحمل آنچه که بر من فرود آورده ای برایم آسان فرما، و مرا (در برابر این گرفتاری) از آلودگی کردارهای گذشته ام پاک کن، و اعمال بد پیش از اینم را نابود ساز، و شیرینی تندرستی را برایم پدید آور، و گوارائی سلامتی را بمن بچشان، و از بستر این مرض به سوی عفو و بخششت خلاصم کن! و از این زمین گیری به سایه غفرانت منتقمم کن! و رهایی از اندوهم را برحمتت و تندرستی ام از این سختی را بگشایشت قرار ده!» رضایت از تدبیر الهی، منتهای آرزوی بندگان شایسته خداوند است. امام زین العابدین علیه السلام در این فراز از محضر خداوند رضایت و تسهیل در گرفتاری را در خواست می کند و این خواسته تمام اولیاء حق است که نمونه ای از آن را با هم می خوانیم:

فقط خواسته خدا را خواهیم

امام حسین علیه السلام در اولین خطبه خود در آغاز قیام جاویدان خویش، هنگام حرکت از مکه به سوی کربلا، سخن از رضایت مندی به میان آورده و می فرماید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولُهُ حُطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَ لِدَ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَيَّ جِيدَ الْفِتَاةِ وَ مَا أَوْلَهْنِي إِلَى أَسْلَافِي اشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ وَ خَيْرَ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَنْتَقِعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ كَرِبْلَاءَ فَيَمْلَأُنْ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَةً سَعْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ النَّبِيِّتِ نَصْبِرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُوفِّقُنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ**

لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص لُحْمَتُهُ وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقْرُبُهُمْ عَيْنُهُ وَ يُنَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مَهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءَ اللَّهِ نَفْسَهُ فَيَلِزُ حُلَّ مَعَنَّا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.^{۱۰۶} حمد و سپاس از آن خدا است و آنچه خدا خواهد، همان است، حول و نیرویی جز در اتکاء به ذات پاک خدا نیست، و درود و سلام خدا بر رسولش محمد علیه السلام، مرگ چون گردن بند بر گردن دختران جوان، گریبان گیر فرزندان آدم است، و علاقه و اشتیاق من به ملاقات گذشتگانم همچون اشتیاق یعقوب به یوسف، بسیار است و در محل معینی که برایم انتخاب گشته (یعنی کربلا) به آن خواهم رسید، گویا می نگرم گرگ های بیابان در سر زمینی بین نوایس^{۱۰۷} و کربلا اعضای بدنم را پاره پاره کرده، تا شکم های گرسنه خود را از من سیر کنند، و انبان های خالی خود را پر نمایند. آری از سرنوشت مقدر شده گریزی نیست، خشنودی خدا خشنودی ما خاندان پیامبر است. بر بلای او شکیباییم که او پاداش کامل صابران را به ما عطا کند. ذریه رسول خدا علیه السلام از او جدا نخواهد شد. آنان در حریم قدس کبریایی نزد او گرد آیند، چشم او به دیدارشان روشن شود و وعده خود را در حقشان وفا کند. هر کس خون خویش را در راه ما که راه خداست می بخشد و خود را آماده دیدار خدا کرده است، با ما رهسپار شود که من به خواست خدا، فردا رهسپارم.

رضایت مندی در سختی ها

حافظ در مورد رضایت مندی از تدبیرات خداوندی در ابیاتی عرفانی می گوید:

۱۰۶- اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، النص، ص: ۶۱
۱۰۷- نوایس، محلی نزدیک نینوا است که قبلا مقبره عمومی مسیحیان بوده است.

گر چه گردآلودِ فقرم شرم باد از همتم
گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم

با آنکه گرد و غبار فقر و ناداری به بند بند وجودم احاطه نموده و به غنای حضرت محبوب و فقر ذاتی ام پی برده‌ام؛
که: «يا أَيُّهَا النَّاسُ! أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ، وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^{۱۰۸} (ای مردم! همه شما فقیران درگاه الهی هستید، و تنها او بی‌نیاز ستوده است.) شرمم باد اگر دست احتیاج به پیشگاه غیر دوست برم و جز از او آب حیات تمنا داشته باشم! که: «إلهی! كَسْرِي لَا يَجْبِرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ... فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ! وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّالِّينَ! وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ! وَ يَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ! وَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ!»^{۱۰۹} معبودا! شکستم را جز لطف و مهربانی‌ات درمان نمی‌کند، و فقر و ناداری‌ام را جز عنایت و نیکی تو بی‌نیاز نمی‌نماید... پس ای منتهای آرزومندان! وای غایت حاجت درخواست‌کنندگان! و ای دورترین و برترین خواسته‌طلبان! و ای بالاترین رغبت و خواهش راغبان! و ای سرپرست و متولی امور صالحان.

عاشقان را گر در آتش می‌پسندد لطف دوست
تنگ چشمم گر نظر در چشمه کوثر کنم

آری، آن عاشقی که به مشاهده دوست نایل آمد، خود را نمی‌بیند تا اراده‌ای داشته باشد؛ از او هرچه ببند، جز لطف و حسن در نظر نمی‌آید، اگرچه حضرت محبوب در آتش گرفتاری‌ها قرارش دهد.^{۱۱۰} از دیدگاه حضرت علی علیه السلام اگر

۱۰۸- فاطر ۱۵

۱۰۹- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۹-۱۵۰

۱۱۰- سعادت پرور، علی، جمال آفتاب، ۱۰ جلد، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش. ج ۸؛ ص ۲۳۳

این رضایت نباشد اصلاً ایمان بنده کامل نخواهد بود که فرمود: «لَا يَكْمُلُ إِيمَانُ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يُعَدَّ الرَّخَاءَ فِتْنَةً وَ الْبَلَاءَ نِعْمَةً.»^{۱۱۱} ایمان هیچ مؤمنی کامل نمی‌شود تا اینکه خوشی را فتنه، و بلا و گرفتاری را نعمت و خوشی بشمارد.
و این مضمون همان سخن امام سجاد علیه السلام است که فرمود: وَ حَبِيبٌ إِلَيَّ مَا رَضِيَتْ لِي، وَ أَنْجَةٌ رَأَيْتُ بِسِنْدِيهِ أَيْ أَنْ رَأَى مَحْبُوبٌ مِنْ غُرْدَانٍ!

* فراز هفتم:

«أَنْكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوَّلُ بِالْإِمْتِنَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ؛ زِيْرَا تَوْنِي كَهْ بِي اسْتِحْقَاقِ إِحْسَانِ مِيكْنِي وَ نِعْمَتِ بَزْرُگِ مِي بَخْشِي، وَ تَوْنِي بَسِيْرًا بَخْشِنْدَه سْتَوْدَه شَدَه، وَ تَوْنِي دَارَی عِظْمَتِ وَ بَزْرُگِي.»^{۱۱۲}

صفاتی که در این فراز مطرح شده است، ویژه مقام ربوبی است، زیرا تنها حضرت حق است که ابتدائاً و بدون هیچ‌گونه استحقاق یا الزامی دست به عطا و بخشش می‌زند و وهاب است؛ یعنی بخشش او بدون عوض و بی‌غرض و خارج از حد و شماره است.

اما این که چرا امام سجاد علیه السلام دعاها را مزین به بردن نام‌های گوناگون خداوند می‌نماید مهم است. به روایت ذیل توجه کنیم:

حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: هرگاه یکی از شما حاجتی می‌خواهد، پس پروردگار را ستایش کند و او را مدح گوید، زیرا هرگاه مردی از سلطانی حاجتی خواهد

۱۱۱- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق. ص ۷۸۵

۱۱۲- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحیفة السجادیة / ترجمه و شرح فیض الإسلام - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۶ ش

بهترین سختی که توانائی آن را دارد برای او آماده می‌سازد. چرا امام این‌طور فرموده‌اند؟ از جمله حکمت‌های آن، این است که: شخص دعا کننده در واقع با بیان این اوصاف الهی، معرفت و شناخت خود به درگاه خداوند عزیز را ابراز می‌کند و توجه او را به خود جلب نموده تا پاداش او را استجابت دعایش قرار دهد. بر خلاف پادشاه و سلطانی که تعریف از خود را برای خود می‌خواهد و حال آنکه تعریف و تمجید واقعی فقط از آن خداست.

سخن پایانی

هم‌چنانکه تحمل و صبر بر بیماری ارزش معنوی فراوانی دارد پرستاری و مواظبت از بیماران نیز اگر با آداب خاص خود انجام شود، دارای ارزش والاّنی است که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

آداب و ارزش پرستاری از بیمار

پرستاری از منظر اسلام آن‌چنان ارزشمند است که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله پرستاران راستین را دوستان پیامبران الهی قلمداد کرده، می‌فرماید: «مَنْ قَامَ عَلَيَّ مَرِيضًا يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ فَجَازَ عَلَيَّ الصَّرَاطَ كَالْبَرِقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ؛^{۱۱۳} کسی که یک شبانه‌روز از بیماری پرستاری کند، خداوند او را با ابراهیم خلیل علیه السلام محشور خواهد کرد و او همانند برق خیره کننده و درخشان از صراط عبور می‌کند.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخن دیگری می‌فرماید: «مَنْ أَعَانَ ضَعِيفًا فِي بَدَنِهِ، عَلَيَّ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَيَّ أَمْرِهِ، وَ نَصَبَ لَهُ فِي الْقِيَامَةِ مَلَائِكَةً يَعِينُونَهُ عَلَيَّ قَطَعَ تِلْكَ الْاَهْوَالَ وَ عُبُورِ تِلْكَ الْخُنَادِقِ

۱۱۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۴

مِنَ النَّارِ، حَتَّى لَا يَصِيبَهُ مِنْ دُخَانِهَا، وَ عَلَى سُمُومِهَا وَ عَلَى
عُبُورِ الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ سَالِمًا آمِنًا؛^{۱۱۵} هر کس به یک ناتوان
جسمی یاری کند، خداوند او را در کارهایش یاری خواهد
کرد و در روز قیامت فرشتگانی را می‌گمارد تا او را در پیمودن
احوال قیامت و عبور از گودال‌های آتش بدون اینکه آسیبی
از دودها و سموم آن به او برسد- و در گذشتن از صراط به
سوی بهشت او را با سلامت کامل و امنیت یاری دهند.
اساساً اگر پرستار به وظایف محوله خود به درستی اقدام
نماید و در رفع نیازهای بیمار از کوشش‌های لازم فروگذاری
نکند، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد و با این خدمت
پسندیده، گناهانش پاک می‌شود. رسول گرامی اسلام ﷺ
فرمودند: «مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةِ قَضَائِهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا
خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ؛ هر کس در رفع نیازهای
بیماری بکوشد، از گناهانش پاک می‌شود همانند روزی که
مادرش او را به دنیا آورد.»

وظایف پرستاران

در اینجا به برخی از وظایف پرستاران اشاره می‌کنیم:

الف / تغذیه مناسب بیمار

شخص بیمار براساس روحیه آسیب‌پذیر خود، نیاز به
رسیدگی و دلجویی و پذیرایی دارد، و ممکن است
خوردنی‌های متنوعی را بخواهد. از منظر رسول اکرم ﷺ
پرستار بیمار اگر غذاها و خوردنی‌های دلخواه مریض را
تهیه کرده و به وی بخوراند، در زمره بهشتیان خواهد بود.
پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ

۱۱۴- تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۶۳۵

مِن ثَمَارِ الْجَنَّةِ؛^{۱۱۵} هر کس غذای دلخواه مریض را به او
بخوراند، خداوند از میوه‌های بهشت به او می‌خوراند.»

ب / شرح داروهای مریض

معمولاً بیمار در اثر ناراحتی فکری و روحی نمی‌تواند
داروهای خود را کاملاً بشناسد و در وقت معین از آن
استفاده کند. چه زیباست که پزشکان محترم و پرستاران
بزرگوار به طور کامل چگونگی استفاده از داروها و منافع
و عوارض آنرا به مریض شرح دهند. حضرت عیسی علیه السلام
می‌فرماید: «يَلْتَذُّ الْمَرِيضُ نَعْتِ الطَّيِّبِ الْعَالِمِ بِمَا يَرْجُو فِيهِ
مِنَ الشِّفَاءِ؛^{۱۱۶} بیمار از شنیدن توصیف‌های پزشک حاذق و
شفابخش بودن داروها لذت می‌برد.»

ج / تقویت روحیه بیمار

رفع نگرانی‌ها و احساسات منفی بیمار از جمله امور مهمی
است که در سرعت بخشیدن به سلامتی و بهبودی او مؤثر
است؛ همچنان‌که تشدید احساسات منفی و از دست دادن
امید به آینده‌ای بهتر، بیماری او را مضاعف خواهد کرد.
پرستار موفق سعی می‌کند خود را غمخوار و محرم راز
بیمار قرار دهد. او با برقراری ارتباطات عاطفی و کلامی
مثبت و خدمات شایسته می‌تواند اعتماد بیمار را جلب کرده
و مونس تنهایی‌های وی باشد، و در آن لحظات حساس و
بحرانی که زمینه و فضای مناسب فراهم است، با شیوه‌های
مختلف بیمار را بنوازد و با لحن کلامی مهربان و عاطفی از
انبوه ناراحتی‌های وی بکاهد. ارشاد و هدایت بیمار، امیدوار
کردن او به آینده‌ای بهتر و شنیدن درد دل‌های وی، از جمله
امور مثبتی است که یک پرستار و یا پزشک می‌تواند از

۱۱۵- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۳

۱۱۶- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۰

آنها استفاده کرده و از آن نتیجه مطلوب دریافت دارد.^{۱۱۷}
پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ فرمودند: «إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى مَرِيضٍ،
فَتَفَسَّوْا لَهُ فِي أَجَلِهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَرُدُّ شَيْئًا، وَيَطَيِّبُ نَفْسَهُ؛^{۱۱۸}
هنگامی که نزد بیمار می‌روید او را به زنده ماندن امیدوار
کنید- هر چند این کار چیزی را از تقدیر الهی بر نمی‌گرداند
-اما در شادمانی روح‌اش تاثیر دارد.»

د / رعایت حال بیمار

پرستار وظیفه‌شناس همواره تلاش می‌کند تا بیمار خود را در
راحتی و آسایش نگه دارد، او با سخنان سنسنجیده و کارهای
ناشایست، بیمار را نمی‌رنجاند. با رسیدگی به موقع، خوراندن
داروها، دادن غذاهای شفابخش، به بهبودی مریض سرعت
می‌بخشد. او گفتار رسول خدا ﷺ را نصب‌العین خود قرار
می‌دهد که در این مورد فرموده است: «لَا تَوَذُّوه وَلَا تَضْجُرُوهُ؛
[بیمار را اذیت نکنید و دل‌تنگ و غمگین نسازید.]»

شخص بیمار به جهت مشکلات خاصی که دارد ممکن است
به بهانه‌های مختلف و با کوچک‌ترین ناراحتی خشمگین
شود. پرستاران آگاه و با تجربه این نکته را در نظر داشته و
به سخن امام صادق علیه السلام جامه عمل می‌پوشانند که فرمودند:

«لَا تَغِيضُوهُ؛^{۱۱۹} بیمار را خشمگین [و عصبانی] نکنید.»

نشستن طولانی نزد مریض، سؤال‌های مکرر(به غیر از
پرسش‌های ضروری پزشکی)، اعتنا نکردن به خواسته‌ها و
نیازهای وی، و او را به حال خود رها کردن، از جمله عوامل
خشم بیمار است.

۱۱۷- گاهی متأسفانه برخی متولیان امر درمان این مهم را رعایت نمی‌کنند
شخصی می‌گفت: به پزشکی رجوع کردم تا بیماریم را تشخیص داده و
درمان کند. او بعد از معاینه گفت: متأسفانه پدر من هم به همین بیماری
مبتلا شده بود که زنده نماند.

۱۱۸- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۵۴ و ج ۵، ص ۲۵۵

۱۱۹- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۷

اگر بیمار را ناراحت کنیم ممکن است او وادار به نفرین شود و دعای بیمار از جمله دعاها بی است که سریعاً مستجاب می شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ: الْحَاجُّ وَالْغَازِي وَالْمَرِيضُ، فَلَا تَغِيظُوهُ وَلَا تَضْجُرُوهُ؛ دعای سه نفر مستجاب است؛ زائر خانه خدا، مجاهد در راه خدا و بیمار؛ مواظب باشید که او را عصبانی و دلتنگ نکنید.»

آرزو دارم که گر گل نیستم خاری نباشم
باربرداری زدوشی نیستم باری نباشم

دعا برای شفای بیمار

پرستاران دلسوز، افزون بر کوشش های ظاهری و خدمات معمولی می توانند برای بهبودی و شفای بیمار دعا کنند و با این عمل رضایت خداوند را جلب کرده، دل بیمار را به دست آورده و در شفای او شریک باشند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در عرصه خدمت به بیماران پیشگام بود، از آنان دلجویی می کرد، گاهی پرستاری آنان را به عهده می گرفت و برای سلامتی شان دعا می کرد. امام علی علیه السلام نقل می کند: شبی بیمار شدم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن شب از من مراقبت و پرستاری کرد و تا طلوع صبح مواظب حال من بود. آنگاه در مسجد با اصحاب نماز جماعت به جای آورد و در حق من دعا کرد: «اللَّهُمَّ اشْفِ عَلِيًّا وَعَاقِبَهُ فَإِنَّهُ اسَهَرْتَنِي اللَّيْلَةَ مِمَّا يَهِي؛ ۱۲۰ خدایا! علی را شفا ده و سلامتی بخش که به خاطر بیماریش امشب تا صبح نخوابیده ام.»

سرمشق پرستاران

زینب کبری علیها السلام از همان دوران طفولیت به پرستاری از بیمار،

مصدوم و مجروح پرداخت. پرستاری از مادرش حضرت زهرا علیها السلام، در ایام بیماری، نقطه آغاز این زندگی است. بعد از ارتحال جانگداز رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام در اثر فراق پدر و مصیبت های بعد از آن، در بستر بیماری افتاد. حضرت زینب علیها السلام - که شاهد ناجوانمردانه ترین حوادث تاریخ بود- از مادرش پرستاری و پذیرایی می کرد. او در ۶ سالگی ضمن پرستاری از مادر، وی را برای ایراد خطبه تاریخی تا مسجد همراهی کرد، و آنگاه تمام خطبه را حفظ نموده و به آیندگان منتقل نمود.

پرستاری از پدر بزرگوارش هنگام مجروح شدن در جنگ های مختلف و هنگام ضربت خوردن، از دیگر موارد خدمات حضرت زینب علیها السلام است. همچنین روزهایی که امام حسن مجتبی علیه السلام در اثر خیانت همسرش در بستر بیماری افتاده بود، بهترین یاور و خدمتگزار آن بزرگوار خواهر گرامی اش حضرت زینب علیها السلام بود. و بالاخره در صحنه دردناک کربلا، زینب کبری علیها السلام وظیفه پرستاری خود را به اوج رساند.

پرستاری از امام سجاد علیه السلام

حضرت زینب علیها السلام بارها به یاری امام سجاد علیه السلام شتافته و پرستاری و حفظ جان آن حضرت را سر لوحه برنامه هایش قرار داده بود که به عنوان نمونه دو مورد بیان می شود:

۱- امام سجاد علیه السلام می فرماید: شبی که فردای آن پدرم به شهادت رسید، من نشسته بودم و عمه ام زینب نزد من بود و از من به نیکوترین صورت پرستاری می کرد. ۱۱۱

۲- در عصر عاشورا - هنگامی که به خیمه ها

حمله کردند - دختر فداکار امام علی علیه السلام با از خودگذشتگی تمام امام سجاد علیه السلام را از میان آتش نجات داد. یکی از سربازان دشمن مشاهدات خود را چنین گزارش کرده است: در هنگام غارت خیام بانوی بلند قامتی را دیدم که مثل پروانه به گرد یک خیمه آتش گرفته دور می زند، گاهی به داخل خیمه می رود و گاهی بیرون می آید، با سرعت نزد او رفتم و گفتم: ای بانو! مگر شعله آتش را نمی بینی؟! چرا مانند سایر بانوان فرار نمی کنی؟ با صدایی بغض آلود گفت: «ای مرد! ما شخص بیماری در این خیمه داریم که توان نشستن و برخاستن را ندارد، چگونه او را رها کنم در حالی که آتش از هر سو به طرف او شعله می کشد؟!» ۱۱۲

اگر خونین، دل غم باورم بود
محبت های زینب یاورم بود
میان خیمه آتش گرفته
به رأفت سایه او بر سرم بود

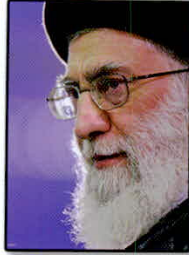
حمد مخصوص خداست که ما را به محمد و آل محمد هدایت فرمود و با کتاب شریف صحیفه سجادیه مأنوس قرار داد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ؛ ۱۱۳ ستایش و سپاس از آن خدایی است که ما را به این (جایگاه پسندیده) راهنمایی کرد، و اگر خدا ما را رهنمون نمی شد ما هرگز راه نمی یافتیم.

| | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------|
| <p>آزمون کتبی: پرتوی از زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام) و ترجمه دعای ۱۵ صحیفه سجادیه</p> | <p>مرحله اول (آموزشگاه)</p> |
| <p>آزمون کتبی: پرتوی از زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام) و ترجمه دعای ۱۵ صحیفه سجادیه</p> | <p>مرحله دوم (منطقه‌ای)</p> |
| <p>آزمون کتبی و شفاهی: پرتوی از زندگی نامه امام سجاد (علیه السلام)، دعاخوانی، ترجمه، شرح و توضیح دعای ۱۵ صحیفه سجادیه</p> | <p>مرحله سوم (استان)</p> |

« صحیفه سجادیه، علی‌الظاهر فقط کتاب
دعاست؛ اما آن هم مثل نهج‌البلاغه، کتاب
درس و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب
راهنمای زندگی سعادت‌مندان است. »

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)





www.serat.pt.medu.ir

ISBN: 978-600-390-039-4



www.monadi.org

Email: info@monadi.org